

### رابطه بین نحوه گذران فراغت و هویت مدرن جوانان شهر تهران

دکتر باقر ساروخانی<sup>۱</sup>، حمد میرزایی ملکیان<sup>۲</sup>

#### چکیده

هدف این مقاله، بررسی رابطه بین نحوه گذران فراغت و هویت مدرن جوانان شهر تهران است. چارچوب نظری این پژوهش، تئوری کنش متقابل نمادین و نظریه گیدنز است. جامعه مورد مطالعه، کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران بوده که تعداد ۴۰۷ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شده است. از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده و پس از بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه، با روش پیمایشی، اطلاعات لازم جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تعداد هفت فرضیه مورد بررسی قرار گرفته و نتایج زیر به دست آمد:

فراغت مجازی و فراغت ماهواره محور رابطه مثبت و مستقیم با هویت مدرن داشته است. فراغت مذهبی با هویت مدرن رابطه منفی و معکوس داشته است. بین فراغت فرهنگی، فراغت عامیانه، فراغت ورزشی، جنسیت، وضعیت تاهل، تحصیلات و سن با هویت مدرن رابطه معناداری وجود ندارد. بین منطقه سکونت و شغل با هویت مدرن رابطه معناداری وجود دارد. مجموع این متغیرها ۶۲ درصد از تغییرات هویت مدرن جوانان را تبیین می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** هویت مدرن، اوقات فراغت، فراغت مجازی، فراغت فرهنگی، فراغت عامیانه، فراغت ورزشی، فراغت مذهبی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۲

<sup>۱</sup> استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و واحد علوم و تحقیقات. / saroukhani@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول).

malekiyan2711@yahoo.com

**مقدمه**

اوقات فراغت یکی از پدیده‌هایی است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران به ویژه جامعه‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. جامعه‌شناسان، فراغت را واقعیتی کاملاً تازه تصور می‌کنند که در نتیجه انقلاب صنعتی و توسعه اجتماعی و اقتصادی جهان امروز پدید آمده است. امروزه فعالیت‌های اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردار شده است که کارشناسان از آن به مثابه آئینه فرهنگ یاد می‌کنند. در این معنا، چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف خصوصیات فرهنگی آن جامعه است.

در دهه‌های اخیر، جامعه‌شناسان اوقات فراغت و صاحب‌نظران «مطالعات فرهنگی» با پیوند مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده اوقات فراغت با هویت اجتماعی، افقی نوین در این عرصه پژوهشی گشوده‌اند. تحلیل نقش اوقات فراغت در فضای مدرن و رابطه آن با هویت اجتماعی، نشانگر افزایش اهمیت فراغت در جامعه معاصر است. از این منظر، مطالعه اوقات فراغت، افزون بر فراهم ساختن بستر مناسب برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی - که این مهم به ویژه در جامعه جوان ایران از اهمیتی مضاعف برخوردار است - این امکان را فراهم می‌سازد تا در پرتو نظریه‌های مختلف و سنجش ارتباط آن با دیگر متغیرهای اجتماعی الگوی نظری مناسبی برای تحقیق در این عرصه ارائه گردد.

ویژگی دوران مدرن، تنوع الگوهای گذران اوقات فراغت است. تماشای مسابقات و انجام فعالیت‌های متنوع ورزشی، استفاده روزافزون از رسانه‌ها (تلویزیون، اینترنت، ماهواره و...)، تغییر نوع روابط با همسالان و ... از مهمترین ویژگی‌های فراغت می‌باشد.

در جامعه مدرن، اوقات فراغت بعنوان فعالیتی مصرفی، عرصه خاصی از تجربه انسانی است که امتیاز آن برای افراد، داشتن حق انتخاب، خلاقیت، رضایتمندی و لذتی است که خود، لذت و شادی بیشتر را به دنبال داشته و به آنها امکان می‌دهد هویت‌های اجتماعی مطلوب خویش را ابراز کنند و گاه تایید دیگران را نسبت به آن بدست آورند.

به تعبیر دیلینی<sup>۱</sup> (۱۳۸۸)، امروزه نحوه گذران فراغت را شاید از مهمترین شاخص‌هایی بدانند که بهتر از هر چیز دیگر، حتی مشاغل افراد، گویای شخصیت واقعی آنان است (ص ۳۱۳). به این ترتیب، امروزه اوقات فراغت بدل به نیازی ضروری برای انسان‌ها شده؛ نیازی که در کنار کارکردهای کلاسیک خود، مبنایی برای هویت‌سازی و هویت‌یابی افراد فراهم آورده است.

### بیان مسأله تحقیق

«دوره جوانی زمانی است که انسان با انرژی و حساسیت در برابر بازتابهای محیط و مسئولیت پذیری فردی به دنبال کسب هویت است» (شفرز، ۱۳۸۶: ۱۱۶). «در جامعه سنتی، عموماً هویت از پیش محرز است و از طریق عضویت در گروه یا اجتماعات به افراد داده می شود و بدین ترتیب از بیرون و به دست نظام خویشاوندی و دینی تعیین می گردد» (دان، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

در مقابل، با پیدایش نخستین بارقه های فرهنگی جامعه مدرن، محل وقوع فرایندهای تکوین هویت به حیات درونی افراد منتقل می شود. همین که پیوندهای گروهی سست می شوند بین افراد و عقاید و تعلقات جمعی فاصله می افتد و همین امر آنان را وا می دارد تا فارغ از عقاید عرفی و مستقل از چارچوبهای آیینی آنها، جامعه را مطابق با جهان بینی ها و دلبستگی های شخصی خویش از نو بسازند، دگرگون سازند و یا با مقابله با آن برخیزند (همان).

بدین قرار، پس از آنکه جامعه در مقیاس وسیع سر بر آورد و زندگی گروهی در جوامع سنتی رو به افول گذاشت، هویت و تکوین آن بدل به مسئله شد. چرا که در اثر تضعیف ساختارهای سنتی، هر یک از افراد می بایست، مستقل از صفاتی که به واسطه جایگاه سنتی یا طبیعی خود بدان متصف گشته بودند، خود هویت خویش را پی می ریختند.

در تحلیلهای جامعه شناسی امروز، فعالیتهای مصرفی، منشأ مدرن ساختار هویتی به شمار می روند و این نکته محصول تغییر آهنگ زندگی و فراغت بشر امروز است (خادمیان، ۱۳۸۸: ۹). «امروزه حس هویت بسیاری از مردم، بیشتر بسته به الگوهای مصرفشان است تا نقش کاری شان» (باکاک، ۱۳۸۱: ۱۶۳). جامعه امروزی ایرانی، دستخوش یک جریان تغییر سریع و ریشه ای است. پیوندهای سنتی با طبقه و خانواده به تدریج کم اهمیت تر می شوند و افراد باید خود مسئولیت زندگی خویش را بر عهده گیرند. از این رو جوانان، الگوهای فراغتی متنوعی را تجربه می کنند. این الگوهای فراغت خصوصاً الگوهای مدرن، در تکوین شخصیت و هویت جوانان تأثیرات ژرفی را بر جای می گذارند.

درصد قابل توجهی از مردم کشورمان خصوصاً جوانان در اوقات فراغت از ماهواره و اینترنت استفاده می کنند و در نتیجه تحت تاثیر الگوها و ارزشهایی هستند که از طریق این رسانه ها اشاعه می گردد. «انسان ایرانی، به طور فزاینده ای در مسیر تأثیرات ژرف و گسترده جهان اطلاعاتی قرار

گرفته که در مهندسی آن سهم و نقش چندانی نداشته است. او همواره در حال مصرف کالاهایی است که در بازار جهانی نشانه‌ها عرضه می‌شوند، (تاجیک، ۱۳۸۷: ۲۵۹).

اوقات فراغت، منشأ شناخت و به رسمیت شناخته شدن دوران جوانی و هویت آنان است. بر اساس یافته‌های یک تحقیق هر چه مصرف‌کاربر در فضای مجازی حرفه‌ای تر باشد، میزان دستیابی او به هویت مدرن شدیدتر خواهد بود (همان، ۱۸۹).

بنابراین گذران فراغت بعنوان شاخصی از مصرف (مصرف زمان)، متضمن ایجاد احساس هویت است. در حوزه فراغت، افراد، نماگرها، کلیشه‌ها، الگوها و قواعد خاص سبک زندگی و هویت اجتماعی خود را بازگو می‌کنند. هدف این تحقیق بررسی هویت مدرن جوانان در قالب اوقات فراغت است. به عبارت دیگر سوال اساسی این است که در کلان شهری چون تهران الگوهای گذران اوقات فراغت به چه نحوی الگوهای هویت مدرن را انعکاس می‌دهند؟ آیا خطوط تمایز و تشابه اوقات فراغت می‌تواند بعنوان منبعی برای هویت‌یابی جوانان باشد؟

#### پیشینه تجربی تحقیق

با بررسی کتابها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی و منابع اینترنتی به زبانهای فارسی و لاتین در زمینه اوقات فراغت مشخص گردید که تحقیقات متعددی در این زمینه صورت گرفته است. مثلاً «در ایران بیش از سیصد عنوان تحقیق علمی و پژوهشی درباره اوقات فراغت به نگارش درآمده است» (ابراهیمی و بهنوی، ۱۳۸۸: ۱۳۰). اکثر تحقیقاتی که در زمینه گذران فراغت صورت گرفته، به دسته بندی فعالیت‌های گذران اوقات فراغت در درون خانواده و بیرون از خانواده بسنده کرده اند (عابدینی، ۱۳۷۲؛ مظفری، ۱۳۸۱؛ رحمانی و دیگران، ۱۳۸۵). بعضی از این تحقیقات (بی‌فیتز، ۱۳۶۹؛ وایتینگ، ۱۳۷۶؛ پارکر، ۱۹۷۶؛ روبرتس، ۱۹۹۹؛ فکوهی، ۱۳۷۹، ۱۳۸۲؛ تورکیدسن، ۲۰۰۱) با دسته بندی تیپ‌های شخصیتی افراد بر اساس گذران اوقات فراغت در درون و بیرون از خانواده، سعی داشته‌اند علاوه بر توصیف، به تبیین این پدیده اجتماعی نیز بپردازند. بنابراین، اکثر این تحقیقات جنبه توصیفی دارند نه تبیینی. دیگر اینکه اکثر این تحقیقات خالی از یک بینش جامعه‌شناختی می‌باشند.

هر چند مطالعات و پژوهش‌های فراغت، تاریخچه‌ای بس طولانی داشته و جامعه‌شناسی فراغت در مباحث جامعه‌شناسانی همچون زیمل<sup>۱</sup>، تورشتاین و بلن<sup>۲</sup> و مکتب فرانکفورت تحکیم بیشتری می‌یابد، اما مطالعات فراغت در واقع از دهه ۱۹۷۰ با رویکرد نئومارکسیستی‌هایی چون کلارک<sup>۳</sup> و کریچر<sup>۴</sup> و بویژه کن رابرتز<sup>۵</sup> وارد مرحله جدیدی گردید و شکوفا شد. کن رابرتز در کتاب خود

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده..... ۱۵۵

با نام جامعه معاصر و رشد اوقات فراغت، تحلیل وسیعی از فراغت ارائه داده است. ادامه این بحث از سوی او و دیگران عرصه را بر مطالعات فراغت گشود.

سه دسته از مطالعات تجربی فراغت از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ دسته اول پژوهشها به بحث در مورد الگوهای اوقات فراغت در جریان چرخه زندگی می پردازد. نمونه این نوع از مطالعات کار آر . ان . راپوپورت<sup>۷</sup> با عنوان «اوقات فراغت و چرخه زندگی خانواده» است که در سال ۱۹۷۵ منتشر شده است.

مطالعات دسته دوم ناظر به این پرسش است که کار و اوقات فراغت چگونه با یکدیگر مرتبط می شوند؟ نمونه این نوع از تحقیقات مطالعه «استانلی پارکر<sup>۸</sup>» موسوم به «اوقات فراغت و کار» است که در سال ۱۹۸۳ منتشر شده است. مطالعه پارکر به لحاظ ربط دادن کار به درک اعمال فراغتی، بسیار بنیادی است.

و بالاخره مطالعات دسته سوم به پژوهش درباره انواع خاصی از اوقات فراغت مانند رفتن به سینما و تماشای مسابقه فوتبال توجه دارد.

در ایران نیز تحقیقاتی پیرامون اوقات فراغت و همچنین هویت اجتماعی انجام شده است که نتایج اکثر آنها، رابطه گذران اوقات فراغت و شکل گیری هویت و شخصیت را نشان داده است.

دوران (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «تاثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی»، به بررسی تاثیر فضای سایبر بر هویت اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه تهران پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که رابطه معناداری میان تجربه فضای سایبرنتیک و هیچ یک از سه سطح هویت اجتماعی (هویت خانوادگی، هویت همالان و هویت ملی) پاسخگویان وجود ندارد.

ابراهیمی و بهنوئی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «اوقات فراغت و هویت: بررسی جامعه شناختی رابطه اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان شهر بابلسر» کوشیده اند که تحلیل تازه ای از گذران اوقات فراغت و رابطه آن با برداشت جوانان از خویشتن خویش به عنوان هویت شخصی ارائه دهند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بین نوع گذران اوقات فراغت و هویت شخصی جوانان رابطه معنی دار مثبتی وجود دارد. یعنی نحوه گذران اوقات فراغت جوانان، در برداشت آنان از خویشتن خویش موثر است.

نتایج تحقیق پیمایشی ملکی و عباسپور (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی جامعه شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مولفه های آن» نشان داد که میانگین هویت ملی جوانانی که در اوقات

فراغت خود از رسانه‌های خارجی (اینترنت و ماهواره) استفاده می‌کنند، بطور معناداری کمتر از جوانانی است که اصلاً از اینترنت و ماهواره استفاده نمی‌کنند.

بدین ترتیب، در ایران، هر چند که رابطه بین بعضی گونه‌های گذران اوقات فراغت خصوصاً گونه‌های مدرن با بعضی از ابعاد هویت اجتماعی خصوصاً هویت ملی به لحاظ نظری و تجربی مورد واکاوی قرار گرفته است، ولیکن تحقیقات جامعی در خصوص رابطه گذران فراغت و ابعاد هویت مدرن انجام نشده است.

### مبانی نظری فراغت

فراغت از کلمه Leiser مصدر قدیمی مبدل شده به اسم مصدر و از ریشه لاتینی Licere به معنای «مجاز بودن» گرفته شده است (دوزات، به نقل از بیرو، ۲۰۲:۱۳۷۰).

تور کیلدسن ۹ فراغت را مجموعه‌ای از مشغولیت‌ها می‌داند که افراد آن را پس از انجام وظایف کاری، خانوادگی و اجتماعی به اختیار خود برای استراحت، تفریح، افزودن به دانش و یا مهارت‌های خود به کار می‌برند و متضمن رضایت و خشنودی است (تور کیلدسن، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰).

گیدنز فراغت را حوزه‌ای از زندگی می‌داند که در کار، سفر برای کار یا خواب اشغال نشده است (Giddens, 1964). گادبی فراغت را اینگونه تعریف می‌کند: فراغت، زندگی کردن در آزادی نسبی از نیروهای اعمال شونده‌ی محیط فیزیکی و فرهنگی فرد است به طوری که فرد قادر باشد به روشهایی که شخصاً برای او لذت بخش و به طور محسوس با ارزش و نیز پایه‌ای برای یک باور باشند، تحت اثر علائق درونی خود عمل کند (Godbey, 1985, p6). ویلیامز ۱۰ معتقد است خط تمایز واقعی بین آنچه فراغت می‌نامیم، این است که در فراغت، هر چقدر هم فعال باشیم، انتخاب‌های خود را می‌کنیم و تصمیمات خود را می‌گیریم؛ برای مدتی احساس می‌کنیم که زندگی ما، مال خودمان است (Williams, 1961).

تاریخچه فراغت به طرق مختلفی بیان می‌شود. معمولاً تمام روایات حول یک تقسیم‌بندی سه‌گانه شکل گرفته‌اند. فراغت در گذار از سه دوره‌ی تاریخی، معانی و تعاریف متفاوتی یافته است. در دوره ماقبل مدرن فراغت زوج کار بود. اوقات فراغت بخشی از زندگی فرهنگی جامعه و امری مهم و مولد به حساب می‌آمد که انتخاب آن در اختیار فرد نبود. در دوره مدرن فراغت در مقابل کار قرار گرفت. نظم توسعه صنعتی اولیه در بیشتر جوامع فراغت را بالقوه مشکل جامعه صنعتی می‌پنداشت و لذا گسترش آن را بر نمی‌تایید. در دوره مدرنیته متاخر بازارهای مصرفی تشکیل شده و

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....۱۵۷

حوزه های فراغتی برای اقشار مختلف شکل یافته است و نوعی تداخل و همپوشانی در کار و فراغت ایجاد شده است (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

در نظامهای جوامع ابتدایی، اوقات فراغت بخشی از ضربآهنگ زندگی شبانه روزی، آب و هوا و فصل خرم می باشد. توصیفهای زنده مارگاریت مید<sup>۱۱</sup> از زندگی در ساموا جزر و مد زندگی را متمایز از تقسیم زندگی به کار و فراغت نشان می دهد. فرصتهای اوقات فراغت با اجزای جشنها، بزرگداشتها، اعیاد، مراسم ازدواج، روزهای خاص و به وسیله اساطیر مذهبی فرهنگهای بدوی به دست آمده اند. گادبی<sup>۱۲</sup> خاطر نشان می کند که اوقات فراغت حساب شده و یا چیزی که از وظیفه انتخاب فردی نتیجه شده باشد وجود ندارد. در چنین جوامعی، اوقات فراغت پیرامون چرخه ای از وظایف ضروری و روزمره زندگی بنا شده و بیشتر با الگوهای زندگی روزمره و فصلی آمیخته است تا از آن جدا باشد (تورکیلدن، ۱۳۸۲: ۹۴).

فعالتهای فراغتی در اوایل دوره ی صنعتی مدرن حوزه ی تضادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود که تا حدی در ستیز اتحادیه ها در پی احقاق حقوق کارگران و در مدیریت کارخانه ها تجلی می یافت. کاهش ساعات کار و حق استفاده از مرخصی با حقوق استفاده از دستاوردهای اتحادیه های کارگری در اوایل دهه ی ۱۹۶۰ در غرب بود (مان). اوایل قرن بیستم، در کشورهای رو به رشد سرمایه داری، همراه با افزایش حق و حقوق کارگران، دستمزدها بالا رفت و ساعات کار کوتاه شد، و نیاز به فراغت و تفریح و سرگرمی افزایش یافت. در همین زمان، پیشرفت های چشمگیر در رسانه ها و فناوری موجب پیدایش شکل های نوین ارتباطات توده ای و تولید انبوه کالاهای فراغتی و تفریحی شد. در اواسط قرن بیستم، اهمیت فراغت به جایی رسید بود که وجه اصلی و غالب در فعالتهای روزمره جوامع سرمایه داری اخیر گردید.

به گفته جیمسون<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۴)، اگر پیدایش سرمایه داری صنعتی ایجاب می کرد که جامعه بر محور زیربنای تولیدی - صنعتی هر چه عقلانی تری سازمان یابد، چرخش به سمت سرمایه داری پسین موجب دگرگونی دیگری شده است و سیطره کار جای خود را به فراغت و مصرف داده است (به نقل از بنت، ۱۳۸۶: ۸۰). در دوران مدرن اولیه و اقتصادهای تولید محور، فراغت (اگر اصلا می بود) وقتی بود برای استراحت و رفع خستگی ناشی از کار. اما در دوران مدرن متأخر، فراغت به یک امر زیبایی شناختی و شکلی از مصرف تبدیل شده است که افراد از طریق آن می توانند به هویت متفاوتی دست یابند (اسلیتر، در جلائی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۴۹۷).

سیریل اسمیت<sup>۱۴</sup> نظریه‌های ویژه‌ای را که در زمینه فراغت از سوی متفکران اجتماعی اظهار شده است، به سه دیدگاه نظری تقسیم می‌کند: نظریه اجتماعی شدن، نظریه نقش و پایگاه، و نظریه خرده فرهنگ خاص جوانان. نظریه اجتماعی شدن، فراغت را جزئی از مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که از طریق آن ایستارها و آموخته‌های لازم برای ورود به بزرگسالی باید آموخته شود. دیدگاه دوم، این دوره را یک دوره موقت و ناپایدار به لحاظ نقش و پایگاه می‌داند. در این دیدگاه، نوجوانی یک دوره گذار ناپایدار از مراحل مختلف کسب پایگاه اجتماعی است که هر فردی باید طی کند. از آنجا که این دوره کوتاه و موقت است، جوان نمی‌داند الگوی رفتاری مناسب چیست و از الگوی مناسبی پیروی نمی‌کند. نظریه پردازان دیدگاه سوم معتقدند که در این دوره سنی، همین که کودکان به دوره نوجوانی وارد می‌شوند، غالباً در اجتماع همسالان خود حضور می‌یابند و از شیوه‌های رفتاری مستقلی پیروی می‌کنند. اجتماع جوانان طبقات پایین به عنوان «فرهنگ کوچه و خیابان» معروف است. از آنجا که جوانان به دنبال کسب تجارب جدید هستند و ذوق و سلیقه‌های تازه را می‌جویند در انتخاب فراغت کمتر از الگوهای پایدار و ثابت پیروی می‌کنند و خواستار تنوع در اوقات فراغت اند (لطیفی، ۱۳۸۴: ۴۱).

کریس روجک (۱۳۸۸) مواضع محوری غیرروان شناختی در نظریه فراغت را شامل چهار رویکرد می‌داند: رویکرد نظامها، رویکرد کنش متقابل، رویکرد مارکسیستی و رویکرد فمینیستی. بر اساس رویکرد نظامهای اجتماعی<sup>۱۵</sup>، فعالیت‌های اوقات فراغت از طریق «بازنماییهای جمعی» افراد را به جامعه متصل می‌کنند. فعالیت‌های اوقات فراغت نقش مهمی در سازگاری و انطباق با هنجارهای اجتماعی دارند. در جوامع پیشرفته صنعتی، فعالیت‌های اوقات فراغت از جمله عرصه‌های محدودی به شمار می‌آیند که کماکان برای افراد این امکان را باقی گذاشته تا مهارت‌ها و سلامتی جسمانی‌شان را که برای بقاء فردی ضروری است پرورش و توسعه دهند (Jarvie & Maguire, 1994: 10).

رویکرد کنش متقابل به مطالعات فراغت تا اندازه‌ای در قالب کوششی برای غلبه بر رویکرد نظام‌های اجتماعی آغاز شد که به ثبات کارکرد و نقش‌های فراغت اهمیت زیادی می‌داد. رویکرد تعامل‌گرایانه، فراغت را تابع تفسیر ذهنی افراد و معنایی که فراغت برای آنها دارد می‌داند. مهمترین کاری که در زمینه‌ی روشن کردن وجوه تکثر و پوییت در مطالعات فراغت انجام گرفته، کار جان کلی<sup>۱۶</sup> (۱۹۸۳/۱۹۸۷) است. کلی با الهام از کار تعامل‌گرایان به ویژه



اروینگ گافمن<sup>۱۷</sup>، فراغت را «نوعی وضعیت شدن» تعریف می‌کند. و لذا در این رویکرد تمایزهای جامعه شناختی میان عامل و ساختار فرو می‌ریزد. به بیان دیگر، فرد از طریق کنش‌های داوطلبانه فراغت به آرمانهایی هویتی شکل می‌بخشد که تاثیر ساختار را رمززدایی می‌کنند.

تحلیل فرهنگی مصرف، با ملاحظات مارکسیسم آغاز شد (استوری، ۱۳۸۵: ۲۶۴). متفکران مارکسیست تفریح، اوقات فراغت و فعالیت‌های مربوط به آن را بخشی از فرایند بازتولید ساختار سلطه تلقی می‌کنند. در این معنا، فعالیت‌های فراغتی، به ویژه ورزش، عامل تثبیت کننده نظم اجتماعی موجود، مبنای بازتولید پدرسالاری، و تمهیدی برای منضبط کردن و تحت قواعد نظامی درآوردن رفتار جوانان و بازتولید مجموعه‌ای از ارزش‌های پدرسالارانه، نخبه‌گرایانه و اقتدارگرایانه تلقی می‌گردد (Jarvie & Maguire, 1994:96).

آدورنو با نقد وسایل ارتباط جمعی جدید معتقد است این وسایل در دوره معاصر امکان بلوغ فکری آدمیان را از بین برده‌اند و او را به مصرف کننده محض محصولات فرهنگی تبدیل کرده‌اند. در واقع، حضور رسانه‌ها در زندگی مردم به این معنا است که فیلم‌سازان، هنرپیشگان و... هستند که به مردم دیکته می‌کنند چه چیزی خوب و واقعی است. اما همه نئومارکسیست‌ها این گونه بدبین نیستند. به عنوان مثال، نئومارکسیست‌هایی که پیرو سنت مطالعات فرهنگی هستند استدلال می‌کنند که بخش عمده‌ای از این فرهنگ توسط بخش‌هایی از طبقات به عنوان ابزاری نمادین برای مقاومت در برابر جذب در ایدئولوژی مسلط مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال، می‌توان به کار استوارت هال<sup>۱۸</sup> و دیگران با عنوان «مقاومت از طریق شعائر» اشاره کرد (Hall, 2000).

بخشی از آنچه مطالعات فرهنگی بیرنگامی خوانده می‌شود، وامدار مطالعات جوانان و در مرکز آن مطالعات فراغت جوانان است. «اندیشمندان مارکسیست با رویکرد مطالعات فرهنگی از سه جنبه به بررسی اوقات فراغت می‌پردازند: ۱- بررسی رابطه میان قدرت و فرهنگ؛ ۲- بررسی چگونگی استقرار، استمرار، تثبیت یا تحلیل بازتولید شکل خاصی از اوقات فراغت در متن یک جامعه؛ و ۳- برجسته کردن نقش فراغت به عنوان عرصه‌ای برای منازعه عمومی» (Ibid:124).

رویکردهای فمینیستی در زمینه‌ی تاثیر جنسیت بر فراغت از رویکردهای طبقاتی پیروی می‌کنند و مالکیت و دسترسی به دارایی را محور کار خود قرار می‌دهند (گرین و همکاران ۱۹۹۰؛ شاول ۱۹۹۴؛ هندرسون و همکاران ۱۹۹۶؛ ویرینگ ۱۹۹۸). از دیدگاه فمینیستی، ساختمان جنسیتی، در چارچوب نوعی نظام

محدودیت‌های درونی و بیرونی کار می‌کند. از لحاظ درونی، شکل‌گیری هویت زنان درباره فراغت، مبتنی بر اهمیت و ارجحیت ظاهر جسمانی است و بر نوعی حق نابرابر در بهره‌گیری از اوقات فراغت توسط آنها و مردان استوار است. از لحاظ بیرونی، مشارکت زنان در فراغت در مقایسه با مردانی از همان صورت بندی طبقاتی، به دلیل کمبود زمان و پول محدود می‌شود (روجک، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

علاوه بر دیدگاه‌های فوق، می‌توان به دیدگاه‌های جدید خصوصاً دیدگاه بورديو و روجک نیز اشاره کرد. «در جامعه‌شناسی بورديو، فراغت یکی از مهمترین گونه‌های بازتولید اجتماعی است» (روجک، ۱۳۸۸: ۱۲۴). بورديو اشاره می‌کند که «تمایزهای اجتماعی که بیانگر هویت‌های اجتماعی گروه‌های مختلف هستند، را می‌توان در مجموعه متنوعی از اعمال اجتماعی مشاهده کرد، از جمله اعمالی که به طور سنتی مربوط به فراغت می‌شوند مثل تعطیلات، ورزش‌ها، مطالعات، موسیقی، سینما و سایر امور ذوقی» (بازدی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۱۵). بنابراین در جامعه و فرهنگ مصرفی، خود فراغت و نحوه گذران آن نوعی تمایز منزلت و هویت ایجاد می‌کند. توجه به نقش فراغت و اهمیت آن در زندگی روزمره انسان معاصر نشانگر اهمیت یافتن و استقلال یافتن آن از کار است. اخیراً مطالعات کریس روجک برداشتی کاملاً جدید از فراغت ارائه می‌دهد. به عقیده‌ی او اوقات فراغت با انتخاب، آزادی و استقلال و لذت و در مقابل با محدودیت و حصر و کسلی و بیگانگی تعریف نمی‌شود. بلکه تعریف ما از اوقات فراغت باید بر اساس تفسیر ما از متن و زمینه پیدایش و کاربرد آن باشد (سعیدی، ۱۳۸۳).

روجک معتقد است مناسبات فراغت یکسره در جریان مبارزات، مذاکرات و چانه زنی‌های دائمی قرار دارد. از جمله‌ی این چانه زنی‌ها که موارد بسیاری از آن‌ها را می‌توان در تاریخ جوامع شناسایی کرد چانه زنی بر سر زمان و فضای فراغت است. زمان فراغت و فضای فراغت به طور خودکار و منکف در جامعه وجود ندارد. برعکس زمان فراغت و فضای فراغت همواره توسط اعمال و کنش‌های مردم در حال ساخته شدن و بازسازی است. به علاوه این اعمال معمولاً شامل درگیری‌های بنیادی بر سر معانی و موارد استفاده‌ی زمان و مکان فراغت می‌شوند. در واقع از دید روجک فعالیت فراغتی و تفریحی فعالیت سرشار از ارزش و معنا است (روجک، ۸۳).

مبانی نظری هویت مدرن

کمتر مفهومی است که به اندازه هویت واجد معانی متعدد باشد (دوران، ۱۳۸۳: ۸۲). در دایره المعارف علوم اجتماعی مفهوم تعیین هویت - همتاپنداری (Identification) چنین تعریف شده است که در یک معنی، خود را با فردی، حزبی یا گروهی یکسان و همتا پنداشتن است آنچنانکه فرد خود را در قالب آن ببیند، در این معنی معادلهایی همچون همذات پنداری اتحاد و... یافته است و در فرایند آموزش و همچنین اجتماعی شدن مؤثر است. در معنای دیگر تعیین هویت یک چیز دیگر، یک سازمان و یا فرد است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۲).

«مسئله هویت مدت‌های طولانی موضوع نظریه اجتماعی بوده و بخصوص در سالهای اخیر زمینه ای بحث برانگیز بوده است» (ذکائی، ۱۳۸۰: ۶۴). بورک و استرایکر<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) نگرشهایی را که در مورد هویت در حیطه روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح شده است در سه گروه تقسیم می‌کند (p:284). برخی دیدگاهها یک نگرش فرهنگی و جمعی از هویت دارند که ایده‌ها، باورها و اعمال یک گروه یا جمع را نمایش می‌دهند. این نگرش اغلب در کارهایی که روی هویت قومی انجام گرفته، دیده می‌شود. در این دیدگاه هویت به صورت مشخص و شفاف تعریف نشده و موجب ایجاد ابهام شده است. این دیدگاه از تشریح تغییرپذیری رفتار، انگیزش و کنش متقابل افراد ناتوان است. دیدگاه دوم در مورد هویت، ذیل سنت «کنش متقابل گرایی» و مخصوصاً نگاه ساختاری آن رشد می‌کند. این دیدگاه بیشتر به بررسی ارتباطات نقش افراد و تغییرپذیری، انگیزش و تفاوتها با هویت می‌پردازد. این دیدگاه به نظریه هویت معروف بوده و دانشمندانی چون بورک، استرایکر، مک کال و سیمونز و... روی آن کار می‌کنند.

چنی (۲۰۰۲) معتقد است که از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، نظریه پردازان اجتماعی و فرهنگی کم کم زندگی روزمره را به عنوان حوزه ای بسیار پویاتر و پرمنازعه تر مفهوم پردازی کرده اند... پایه و اساس این تغییر نگرش درباره زندگی روزمره، چند عامل است که به یکدیگر مرتبط اند. نخست، از هم گسیختن مدرنیته و به دنبال آن کاسته شدن از اهمیت تلقی‌های مدرنیستی از هویت که بر اساس طبقه، جنسیت، نژاد و شغل شکل می‌گرفت. دوم، رواج فزاینده رسانه‌ها و صنایع فرهنگی که، نقش مهمی در ایجاد و القای شکل‌های نوین هویت اجتماعی بر اساس الگوهای مصرف و فراغت داشته‌اند (به نقل از بنت، ۱۳۸۶: ۱۱).

یکی از مهمترین نظریه‌ها در خصوص هویت مدرن، نظریه آلکس اینکلز<sup>۲۰</sup> است. اینکلز در مقاله‌ای تحت عنوان «نمونه یک انسان مدرن» خصوصیات یک انسان مدرن در ساحت‌های مختلف زندگی را این گونه برشمرده است: از نظر وی فرد مدرن فردی است که در وهله اول برای کسب تجارب جدید آمادگی داشته و از نوآوری و تغییر در حوزه‌های مختلف زندگی خود همواره استقبال می‌کند. خصوصیت دوم مربوط به رشد منابع فکری و دامنه آگاهیهای فرد مدرن است؛ وی معتقد است ما فردی را مدرن تر محسوب می‌کنیم که دامنه شمول مسائل، عقاید و افکار وی از دامنه ساختارهای عینی و ذهنی روزمره زندگی او فراتر رفته و سرزمین و عرصه‌های دیگر را نیز دربرگیرد. خصوصیت سوم انسان مدرن از نظر وی باور به توانایی و قدرت فرد مدرن در تحت کنترل درآوردن شرایط بیرونی و محیطی اعم از محیط طبیعی یا محیط اجتماعی است. فرد مدرن تا حد زیادی به تواناییهای خود اعتماد داشته و در روابط فردی و اجتماعی خود از آنها بهره می‌جوید. خصوصیت چهارم، داشتن برنامه مشخص و معین رو به آینده در زندگی شخصی و اجتماعی فرد مدرن است. خصوصیت پنجم، قائل بودن فرد مدرن به قابل کنترل و محاسبه پذیر بودن ساختارها و عاملان دنیای مدرن است. خصوصیت ششم به نحوی مربوط به سیستم پاداش و جزا و عدالت توزیعی در جوامع مدرن در مقایسه با جوامع سنتی است. اینکلز معتقد است: سیستم پاداش و جزای نسبتاً عادلانه و مستقل دنیای مدرن حس اطمینان را در فرد مدرن ایجاد می‌کند که در صورت انجام صحیح وظایف، همواره پاداش مناسبی به طور نسبی وجود خواهد داشت. خصوصیت هفتم از نظر وی مربوط به نظام و ساختارهای آموزشی در جوامع مدرن است. در این راستا می‌توان گفت که فردی مدرن تر است که به ساختار رسمی آموزش در دنیای مدرن از ساختارهای غیررسمی آموزش وابسته تر بوده و رویکرد او به جهان و پدیده‌های آن بیشتر رویکردی علمی و عقلانی است تا رویکردی عرفی و یا دینی. در نهایت خصوصیت آخر را می‌توان آگاهی و احترام فرد مدرن به شأن خود و سایرین هر چند بسیار متفاوت دانست (اینکلز، ۱۹۷۳). در مجموع باید گفت که رویکرد اینکلز به برخی خصوصیات کلیدی هویت مدرن بسیار خوشبینانه بوده و بیشتر به وضعیت آرمانی فرد مدرن نزدیک است تا وضعیت واقعی آن. پیتر برگر<sup>۲۱</sup>، بریجیت برگر<sup>۲۲</sup> و هانسفرید کلنر<sup>۲۳</sup> (۱۳۸۱) در بخشی از کتاب «ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی<sup>۲۴</sup>» به بررسی ویژگیهای هویت مدرن پرداخته‌اند. اولین ویژگی هویت مدرن آن است که «هویت مدرن، مشخصاً باز<sup>۲۵</sup> است. بی‌تردید، ویژگیهایی در فرد وجود دارند

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده..... ۱۶۳

که در اثر فرایند اجتماعی شدن اولیه، کم و بیش برای همیشه تثبیت می شوند، اما فرد مدرن حتی با ورود به مرحله زندگی بزرگسالی همچنان مشخصاً فردی ناتمام باقی می ماند. به نظر می رسد که، افزون بر وجود استعداد عینی وسیع برای تغییرات هویتی بعدی در زندگی فرد، آگاهی ذهنی و حتی آمادگی برای پذیرش چنین تغییرهایی نیز وجود دارد. انسان مدرن نه تنها به خصوص «مستعد تغییر» است، بلکه همچنین بر این امر واقف است و اغلب اوقات به آن نیز می بالد، (ص: ۸۴).

دومین ویژگی هویت مدرن از نظر آنان این است که «هویت مدرن مشخصاً تفکیک شده<sup>۲۶</sup> است. چندگانگی جهان های اجتماعی در جامعه مدرن موجب می شود تا ساختار هر جهان خاص به شکلی نسبتاً ناپایدار و نامطمئن تجربه شود. در اکثر جوامع پیش مدرن، فرد در جهانی بسیار منسجم تر به سر می برد. در نتیجه، چنین جهانی در چشم او جهانی پایدار و مقدر می نمود. برعکس، فرد مدرن، با توجه به تجربه خود از کثرت جهان های اجتماعی، به نسبی سازی هر یک از آنها می پردازد» (همان: ۸۵).

سومین اینکه، «هویت مدرن مشخصاً/ندیشنده<sup>۲۷</sup> است... جامعه مدرن فرد را با چشم اندازی پیوسته در تغییر از تجارب و معانی اجتماعی رودررو قرار می دهد. فرد را وادار به تصمیم گیری ها و طرح برنامه های متنوع می سازد. او را به اندیشیدن وا می دارد» (همان: ۸۶). «سرانجام، هویت مدرن مشخصاً فردیت یافته<sup>۲۸</sup> است. فردی که حامل هویت به صورت موجودیت حقیقی خویش است، به طوری کاملاً منطقی، جایگاه بسیار مهم خویش را در سلسله مراتب ارزشها احراز می کند. آزادی فردی، خودمختاری فردی و حقوق فردی به صورت دستورها و احکام اخلاقی دارای اهمیت بنیادین، مسلم فرض شده، و حقوق حتی الامکان آزادانه برنامه ریزی زندگی شخصی و شکل بخشیدن به آن، به حقی متمایز از میان سایر حقوق فردی بدل می شود» (همان: ۸۶).

هویت فرد در طی طریق او در جامعه مدرن در معرض دگرگونی های اساسی قرار می گیرد، رابطه اش با تعاریف نهایی و غایی از واقعیت نیز دستخوش تغییر می شود. در جامعه مدرن، «چندگانه شدن زیست جهان های اجتماعی تاثیر عمده ای در حوزه دین داشته است. در طول بخش اعظمی از تاریخ موجود بشر، دین در ایجاد چتری فراگیر از نمادها، برای یکپارچگی با معنای جامعه، نقشی اساسی بر عهده داشته است... با چندگانه شدن زیست جهان های اجتماعی، این وظیفه قدیمی دین به طور جدی مورد تهدید قرار می گیرد... به موازات رشد تدریجی چندگانگی، فرد به ناگزیر با دیگرانی مربوط می شود که به باورهای او اعتقادی ندارند و معانی، ارزش ها و

اعتقادات متفاوت و گاهی اوقات متضادی بر زندگی شان حاکم اند. در نتیجه، جدا از سایر عوامل موثر در این راستا، چندگانگی نیز تأثیری دین‌زدا/ینده<sup>۲۹</sup> دارد. یعنی چندگانه شدن تسلط دین بر جامعه و فرد را سست می‌کند. مشهورترین پیامد این تحول، به لحاظ نهادی، خصوصی شدن دین است» (همان: ۸۷).

گیدنز نیز بازتابندگی را از ویژگیهای هویت مدرن می‌داند. «بازتابندگی دنیای متجدد نه در زمینه‌هایی مقرون به یقین و قطعیت فزاینده، بلکه در بستر نوعی شک روش مند عمل می‌کند. بدین ترتیب، حتی معتبرترین مراجع و مآخذ نیز حداکثر «تا اطلاع ثانوی» مطمئن و قابل اعتماد شمرده می‌شوند، و نظامهای مجردی که این همه در زندگی روزمره نفوذ دارند فقط ارائه دهنده امکاناتی متعدد هستند و نه دستورالعملها و نسخه‌هایی ثابت و تضمین شده برای عمل» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

معمولا پذیرفته می‌شود که فردگرایی<sup>۳۰</sup> یکی از ویژگیهای مشخص جهان مدرن است (کیوستو، ۱۳۸۴: ۱۱۸). به نظر دورکهایم، فردگرایی محصول جامعه است، نتیجه ویژگیهای معین جوامع صنعتی مدرن که در نهایت از رشد تقسیم کار ناشی می‌شود (همان: ۱۴۴). به عقیده مرتن<sup>۳۱</sup>، فردگرایی بخشی معین از وضعیت انسان در دنیای مدرن است (همان: ۱۵۰). مدرنیته رابطه افراد با دیگران و جامعه شان را با ارتقای فردگرایی از نو شکل می‌دهد. مدرنیته اغلب در مقابل سنت در نظر گرفته می‌شود و نشان دهنده جدایی از سنت است. اگر سنت به گذشته می‌نگرد، مدرنیته ظاهرا نگاهش را به آینده دوخته است (همان: ۱۶۷). تفکر علمی از ویژگیهای مهم جوامع مدرن محسوب می‌شود. علم، جهان مدرن را اسطوره زدایی کرده است. یعنی علم تبیینات عقلانی یا علمی را جانشین تبیینات اسطوره‌ای ساخته است. نفی تقدیرگرایی، ویژگی دیگر هویت مدرن است. «تقدیرگرایی در حقیقت نفی تجدد و «امروزین شدن» است - یا، به معنای کنار گذاشتن و ترک هرگونه جهت‌گیری کنترل شده به سوی آینده، و در پیش گرفتن حالتی مبتنی بر این اصل که هر چه پیش آید خوش آید» (همان: ۱۵۸). تقدیرگرایی<sup>۳۲</sup> مبتنی بر این پذیرش تسلیم‌گرانه است که رویدادها را باید به هر حال تحمل کرد و هیچ‌گونه مداخله‌ای در سیر امور و وقایع جایز نیست.

بنابراین، در نهایت باید گفت که هویت مدرن ترکیبی است از آنچه که مطرح گردید.

چارچوب نظری تحقیق

در این پژوهش از میان مجموعه نگرش‌ها و رهیافت‌های مربوط به هویت، نظریه کنش متقابل نمادین و نظریه آنتونی گیدنز بعنوان چارچوب نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. «در

حوزه جامعه‌شناسی، هر گاه بحث هویت پیش می‌آید، بایستی به ناچار به متفکران و اندیشمندان مکتب کنش متقابل نمادین رجوع کرد» (آزاد، ۱۳۸۲: ۱۸۳). به طور کلی میزان قابلیت آزمایش تئوری‌هایی مانند تئوری کنش متقابل نمادین اجتماعی بالا است چرا که این تئوری کلی بوده و از دقت زیادی برخوردار است. «بر اساس این دیدگاه، معنی و درکی که افراد در گروه از خود و دیگری دارند، منشاء ساختن هویت اجتماعی است» (آزاد، ۱۳۸۶: ۱۳۲). «مید بر این باور است که انسان با درگیری در روابط و کنش‌های متقابل، قادر است تا معانی اشیاء و مفاهیم اشارات و نمادها را از طریق درک زبان فرا گیرد. انسان با درک این معانی که تنها و انحصاراً از راه تجربه اجتماعی صورت می‌گیرد، می‌تواند بعنوان انسان زندگی کند. ولی برای درک این معانی، انسان طبیعتاً بایستی امکاناتی داشته باشد. تشکیل «خود»، مستلزم این است که انسان بعنوان موجودی انسانی با موقعیتها روبرو شده و آنها را بطور اجتماعی تجربه کند» (تهایی، ۱۳۷۲: ۲۲۷).

مید معتقد است که «گروه به انسان هویت، و هویت احساس برتری به انسان می‌دهد. وطن دوستی سبب تقویت احساس تعلق و در نتیجه تقویت هویت و احساس برتری می‌شود. در واقع، وطن دوستی به احساس برتری مشروعیت می‌دهد ... باور به برتری ملت خود بر دیگر ملت‌ها، سیاه‌نشان دادن اعمال دیگر ملت‌ها به منظور توجیه اعمال ملت خودی و تاکید بر ارزشهای آن به نظر کاملاً مشروع می‌آید. همین امر را می‌توان درباره سیاست و دین خود گفت، جایی که یک حزب یا فرقه بر دیگران برتر دانسته می‌شود. این نوع گرایش جایگزین شکل‌های قدیمی تر ملت‌گرایی شده است: عصر جنگ‌های مذهبی زمانی که انسان به گروهی تعلق داشت که بهتر از گروه‌های دیگر بود، و این ادعا قطعی و بدون نیاز به تعمق به نظر می‌رسید، چون خدا در کنار گروه خودی تصور می‌شد» (Mead, 1973:251 به نقل از ویس، ۱۳۸۹: ۱۶۴). بنابراین هر گروه اجتماعی به اعضای خود هویت اجتماعی می‌بخشد و هویت اجتماعی نیز برای عضو، تولید تعهد اجتماعی می‌کند. صورت بندی‌های گیدنز، به راستی، بر ژرفای بینش ما درباره ماهیت تکوین هویت مدرن افزودند، آموزه‌های او را در این زمینه شاید بتوان چنین خلاصه نمود. نخست این که، پایگاه تکوین نفس امروزه از دسترس کنترل‌های بی‌واسطه و انضمامی اجتماع فیزیکی برون‌گشته و به قلمرو میانجی‌های متعلق به نظام‌های با واسطه و انتزاعی نمادها نقل مکان کرده است. دوم این که، بین عضویت گروهی و فرآیندهای تعیین هویت جدایی و فاصله افتاده، چندان که عضویت در یک گروه فی‌نفسه در جریان تکوین هویت یگانه‌عامل تعیین‌کننده به شمار نمی‌رود. فرد اکنون

در موقعیتی قرار گرفته که می‌تواند از بین انواع و اقسام روشهای تعیین هویت دست به گزینش زند، بی‌پروای صفات و خصوصیتی که به واسطه تولد و اجتماعات خاستگاه خویش بدان‌ها مَنصَف گردیده است. مضافاً که در پی جداگشتن مناسبات اجتماعی از مکان فیزیکی، فرایند «از جا کندن» این امکان را برای افراد به وجود آورده تا با اتکاء به قدرت تفکر انتزاعی خود را با رده‌ها و گروههای گوناگون هم‌هویت سازند. بدین سان فرد می‌تواند در جریان برساختن خویشتر خویش، آن‌طور که می‌خواهد، هویت «دیگران انتزاعی» را به خود بندد، دیگرانی که با او از حیث برخی خصوصیات، نیازها، یا علایق، مثلاً به لحاظ رده سنی یا زمینه طبقاتی، اشتراک دارند. بر اساس ویژگی زندگی مدرن، فرد می‌تواند خویشتر را با برخی واحدهای اجتماعی هم‌هویت انگارد بی‌آنکه لزومی در عضویت مستقیم در آنها ببیند و با این حال می‌تواند از آنها برای خود سرمشق‌ها و معیارهای رفتاری کسب کند.

نوع گذران اوقات فراغت، بعنوان یکی از مهمترین عرصه‌های تعامل اجتماعی، می‌تواند به منزله یک رسانه و معرف هویت افراد و به ویژه جوانان مطرح باشد. «اوقات فراغت به عنوان یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های سبک زندگی در دنیای خالی از معنای دوران سنتی، قادر است به بیانی برای هویت‌های فردی تبدیل شود. افراد می‌توانند با نوع گذران اوقات فراغت همانطور که ابزاری برای بیان هویت می‌باشند، همزمان، هویت‌سازی می‌کنند. بنابراین نمی‌توان تمایز دقیقی میان ساخت و بیان هویت قائل شد. با به کارگیری آیتم‌های چگونگی گذران اوقات فراغت همزمان می‌توان هویت‌های شخصی، جنسیتی، گروهی، ملی و... را ساخت و منتقل کرد. در یک کلام می‌توان عنوان نمود که افراد و به ویژه جوانان در مدرنیته‌ی متأخر، نحوی گذران اوقات فراغتشان را به عنوان بخشی از منابع فرهنگی لازم برای جریان پیوسته‌ی هویت خود به کار می‌برند. به گونه‌ای که نحوه گذران اوقات فراغت به عنوان بخشی از معانی ذهنی و عینی افراد در بازتاب‌های بیرونی شکل یافته است.

بر مبنای مباحث فوق، خطوط اصلی چارچوب نظری این تحقیق را به صورت ذیل می‌توان تدوین نمود؛

۱- هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌گردد و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هویت؛ سیال، فرایندی، و واجد درجه‌ای از تأملی بودن است.



تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....۱۶۷

۲- الگوهای فراغت خصوصا الگوهای مدرن، بعنوان مهمترین عرصه تجربه و تعامل اجتماعی، متضمن ایجاد احساس هویت اجتماعی بوده و در تکوین شخصیت و هویت، تاثیرات ژرفی را بر جای می گذارند.

مهمترین نتیجه چارچوب فوق این است که، اولاً، هویت شخص، چیزی نیست که در نتیجه عضویت های گروهی یا تداوم کنش های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت خویش به طرز بازتابی مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد؛ و، دوم اینکه، الگوهای گذران فراغت یکی از ابزارهای اساسی است که فرد به وسیله آن روایت معینی از هویت اجتماعی را محفوظ می دارد، و در عین حال خود وی نیز از وراثت همین روایت «در معرض دید» دیگران قرار می گیرد.

تعریف مفاهیم

هویت مدرن:

منظور از هویت مدرن<sup>۳۳</sup> کلیه برداشت ها، تصورات و خودشناسایی است که جوانان ایرانی از خود ارائه می نمایند و دارای منشاء سنتی (مربوط به گذشته) نیست، بلکه تحت تاثیر تغییرات و مراودات فرهنگی و اجتماعی با دنیای مدرن شکل می گیرد. برخلاف هویت دینی و ملی، هویت مدرن را نمی توان کاملاً به سرزمین و محل و جغرافیایی مشخصی منسوب کرد. هر چند یکی از ابعاد هویت مدرن را می توان خودشناسی فرد یا خود- مقوله بندی با فرهنگ و اجتماع غربی تعریف نمود. هویت مدرن، گرایش به ارزشهای بنیادی مدرنیته (یا تجدد) است. گرایش به ارزشهای بنیادی مدرنیته حاکی از پذیرش ارزشهای اساسی سازنده مدرنیته شامل کثرت گرایی، نگرش انتقادی، سکولاریسم، مدگرایی، توجه به نظم و قانون گرایی، آینده نگری، عقلانیت، و رویکرد علمی می باشد.

برای سنجش هویت مدرن، با توجه به مبانی نظری و تجربی تحقیق، از ۱۰ شاخص شامل کثرت گرایی (برگر و دیگران؛ ۱۳۸۱)، داشتن نگرش انتقادی (جنتی، ۱۳۸۵)، نگرش عرفی (برگر و دیگران؛ ۱۳۸۱)، مدگرایی (جنتی، ۱۳۸۵)، نظم و قانون گرایی (جنتی، ۱۳۸۵)، آینده نگری (اینکلس؛ ۱۹۷۳)، عقلانیت (اینکلس؛ ۱۹۷۳)، رویکرد علمی (اینکلس؛ ۱۹۷۳ و واترز؛ ۱۳۸۸)، نفی تقدیرگرایی (اینکلس؛ ۱۹۷۳ و گیدنز؛ ۱۳۸۷ و کیویستو؛ ۱۳۸۴)، و فردگرایی (برگر و دیگران؛ ۱۳۸۱)

و کیویستو؛ ۱۳۸۱ و مرتن و دورکیم و تونیز) استفاده شده است که به صورت طیف لیکرت با ۲۲ گویه مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

#### اوقات فراغت

به طور کلی می‌توان فعالیت‌هایی را که افراد بر اساس علاقه شخصی و خارج از حوزه کار و پس از رهایی از تکالیف فردی و اجتماعی انجام می‌دهند و هدف آن استراحت، تفریح و یا خودشکوفایی است فعالیت گذران اوقات فراغت نامید (محسنی، ۱۳۸۶، ۲۹۳). در این تحقیق، اوقات فراغت عبارت از زمانی است که فرد مشغول یکی از فعالیت‌های شغلی، خانه‌داری و تحصیل و نیز در حال رفت و آمد به محل کار و تحصیل و همچنین در حال خواب هم نیست.

**فراغت عامیانه:** مجموعه رفتارهایی است که معمولاً عامه مردم در اوقات فراغت خود انجام می‌دهند.

**فراغت مجازی:** عبارت است از کاربرد اینترنت برای مقاصد فراغتی.

**فراغت فرهنگی:** عبارت است از پرداختن به فعالیت‌های فرهنگی در اوقات فراغت.

**فراغت ماهواره محور:** عبارت است از تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای در اوقات فراغت.

**فراغت ورزشی:** عبارت است از پرداختن به فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت.

**فراغت مذهبی:** عبارت است از گذران اوقات فراغت با پرداختن به مجموعه فعالیت‌های مذهبی.

#### روش‌شناسی:

پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام می‌گیرد. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. یعنی اطلاعات نظری و تئوری از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و در گردآوری داده‌ها نیز از روش میدانی یا پیمایش استفاده شده است.

با توجه به این که هدف این پیمایش، بررسی رابطه بین نحوه گذران فراغت و هویت مدرن جوانان شهر تهران بوده، لذا واحد تحلیل در این تحقیق، جوانان و سطح تحلیل، خرد است. جمعیت جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند. در تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده که تعداد ۴۰۷ نفر تعیین گردید. برای انتخاب افراد نمونه از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. جهت بررسی رابطه معناداری بین متغیرها از تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. داده‌ها پس از جمع‌آوری، ویرایش و پردازش نهایی، توسط نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....۱۶۹

جهت سنجش اعتبار پرسشنامه، از اعتبار صوری استفاده شد. این اعتبار مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان است. برای به دست آوردن میزان روایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که جدول زیر نشانگر مقادیر آلفا است.

جدول شماره (۱) میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه های هویت مدرن و ابعاد آن

نام متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ	
هویت مدرن	۲۲	.۸۳۶	
ابعاد هویت مدرن	کثرت گرایی	۲	.۸۳۴
	نگرش عرفی	۲	.۷۵۵
	مدگرایی	۲	.۸۲۵
	نظم و قانون گرایی	۲	.۷۵۰
	آینده نگری	۲	.۷۹۱
	عقلانیت	۳	.۷۲۸
	رویکرد علمی	۲	.۷۳۱
	نفی تقدیرگرایی	۳	.۷۹۶
	فردگرایی	۳	.۷۷۰

الف: یافته های توصیفی:

- ۵۱/۸ درصد از پاسخگویان را مردان تشکیل داده و ۴۸/۲ درصد آنان را زنان تشکیل می دهند.
- ۲۹۴ نفر از پاسخگویان برابر با ۷۲ درصد مجرد و ۱۱۳ نفر برابر ۲۸ درصد آنان متأهل می باشند.
- ۴۰/۸ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹، ۳۲/۴ درصد در گروه سنی ۱۹-۱۵ سال، ۲۶/۸ درصد در گروه سنی ۲۴-۲۰ سال قرار دارند. میانگین سن پاسخگویان ۲۲/۸ سال می باشد.
- ۰/۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی، ۱ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۱۷ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۲۱/۱ درصد دیپلم، ۱۰/۸ درصد فوق دیپلم، ۳۹/۸ درصد لیسانس، ۹/۱ درصد فوق لیسانس و ۰/۷ درصد دارای تحصیلات دکتری بوده اند.
- از مجموع افراد مورد مطالعه، ۵۱/۱ درصد فعال از نظر اقتصادی بوده که شامل افراد شاغل و بیکار در جستجوی کار می شود. ۴۸/۴ درصد را افراد غیر فعال از نظر اقتصادی تشکیل می دهند که شامل زنان خانه دار، سربازان، دانشجویان و دانش آموزان می شود. ۰/۵ درصد نیز پاسخ نداده اند.

۱۷۰..... مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال سوم / شماره اول / زمستان ۱۳۸۹

- منطقه محل سکونت ۲۳/۱ درصد در شمال شهر، ۳۵/۶ درصد در مرکز شهر و ۴۱/۳ درصد در جنوب شهر تهران بوده است. بدین ترتیب نسبت تقریباً برابری از جمعیت مناطق شهری در تحقیق وجود داشت.

- بیش از ۵۳ درصد از پاسخگویان روزنامه مطالعه نمی‌کنند. میانگین مطالعه روزنامه بعنوان یک فعالیت فراغتی در طول شبانه روز حدود ۱۲ دقیقه می‌باشد.

- از نظر مطالعه مجلات مختلف، حدود ۴۳ درصد در اوقات فراغت خود به مطالعه مجله می‌پردازند بیش از ۵۷ درصد پاسخگویان مجله مطالعه نمی‌کنند.

- از نظر مطالعه کتابهای غیردرسی، نزدیک به ۵۰ درصد از پاسخگویان علاقه ای به مطالعه کتابهای غیردرسی در اوقات فراغت خود ندارند. میانگین زمان صرف شده برای مطالعه کتابهای غیر درسی در اوقات فراغت برابر با ۱۹/۷۷ دقیقه در شبانه روز می‌باشد.

- پرداختن به فعالیتهای هنری مختلف در اوقات فراغت بیش از ۸۱ درصد از پاسخگویان جایگاهی ندارد و تنها حدود ۱۸ درصد به انجام فعالیتهای هنری در اوقات فراغت خود اشاره کرده اند.

- بر اساس نتایج این تحقیق، جوانان بیشترین ساعات فراغت خود را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند. نزدیک به ۹۵ درصد پاسخگویان در اوقات فراغت خود تلویزیون تماشا می‌کنند. تنها حدود ۵ درصد تلویزیون تماشا نمی‌کنند. بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان در اوقات فراغت خود بیشتر از یک ساعت به تماشای تلویزیون می‌پردازند. میانگین تماشای تلویزیون ۸۱/۵ دقیقه در شبانه روز است.

- حدود ۷۷ درصد از پاسخگویان به رادیو گوش نمی‌دهند. حدود ۱۳ درصد کمتر از نیم ساعت، ۵/۷ درصد ۳۰ دقیقه، ۳/۷ درصد بیشتر نیم تا یک ساعت و نهایتاً اینکه ۰/۹ درصد بیشتر از یک ساعت در طول شبانه روز در اوقات فراغت خود از برنامه های رادیو استفاده می‌کنند.

- نزدیک به ۸۰ درصد از پاسخگویان به استفاده از موسیقی در اوقات فراغت علاقه دارند. میانگین مصرف موسیقی در بین جوانان ۳۸/۲ دقیقه در طول شبانه روز است. بنابراین استفاده از موسیقی یکی از مهمترین شیوه های گذران فراغت در بین جوانان می‌باشد.

- نزدیک به ۳۳ درصد از پاسخگویان گردش در پارک را جزء فعالیتهای فراغتی خود نمی‌دانند.

- ۱۲/۸ درصد از پاسخگویان به دراز کشیدن و استراحت کردن در اوقات فراغت علاقه مند نیستند. میانگین این گونه فراغت برابر با ۳۵/۵ دقیقه است.

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده..... ۱۷۱

- نزدیک به ۸۰ درصد از پاسخگویان علاقه ای به قدم زدن در خیابان و ایستادن سر کوچه در اوقات فراغت ندارند. میانگین این گونه فراغت برابر با ۴/۹ دقیقه در شبانه روز می باشد.

- حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان مطالعه قرآن و گوش دادن به موسیقی مذهبی را یکی از شیوه های گذران فراغت خود می دانند.

- بیش از ۹۸ درصد از پاسخگویان حداقل سالی یکبار و کمتر به سینما می روند. بیش از ۴۶ درصد تئاتر و بیش از ۵۳ درصد فرهنگسرا را جزء علائق فراغتی خود نمی دانند. نزدیک به ۷۹ درصد از کتابخانه های عمومی استفاده می کنند. بیش از ۵۰ درصد از پاسخگویان سالی یکبار و کمتر، از موزه ها و نمایشگاهها بازدید می کنند. بیش از ۴۱ درصد پاسخگویان رفتن به کافه تریا و قهوه خانه را جزء فعالیت فراغتی خود نمی دانند. نزدیک به ۹۹ درصد پاسخگویان در اوقات فراغت خود به شرکت در مهمانی های خانوادگی علاقه دارند. بیش از ۳۸ درصد به استخر شنا و بیش از ۵۱ درصد به باشگاه ورزشی و بیش از ۶۸ درصد به تماشای رویدادهای ورزشی در ورزشگاهها علاقه ای ندارند. ۶۰ درصد کوهپیمایی، نزدیک به ۹۳ درصد سفرهای زیارتی، ۸۴ درصد فعالیتهای عام المنفعه و خیریه، ۹۳ درصد شرکت در مساجد و هیئات مذهبی، بیش از ۸۹ درصد زیارت اماکن مقدسه، اهل قبور و شهدا، نزدیک به ۴۷ درصد شرکت در پایگاههای بسیج، نزدیک به ۹۲ درصد پیاده روی، نزدیک به ۵۴ درصد بازیهای کامپیوتری، بیش از ۵۹ درصد بازی فکری(شطرنج و...) و بیش از ۸۹ درصد از پاسخگویان در اوقات فراغت خود به گردشگری و مسافرتهای تفریحی داخل کشور می پردازند.

- ۷۴ درصد از پاسخگویان در اوقات فراغت خود از اینترنت استفاده می کنند.

- ۲۶ درصد پاسخگویان به اینترنت دسترسی ندارند. ۵/۹ درصد ۲ سال یا کمتر سابقه مصرف اینترنت دارند. حدودا بیش از ۳۹ درصد پاسخگویان بین ۳ تا ۴ سال است که از اینترنت استفاده می کنند. حدودا ۳۲ درصد بین ۵ تا ۶ سال، ۸/۸ درصد بین ۷ تا ۹ سال، ۵/۷ درصد نیز ۱۰ سال و بیشتر سابقه دسترسی به اینترنت دارند.

- ۲۶ درصد از اینترنت استفاده نمی کنند. حدود ۲۵/۶ درصد کمتر از یک ساعت، ۳۱/۹ درصد در حد یک ساعت، ۱۱/۱ درصد بیشتر از یک تا دو ساعت، ۵/۴ هم بیشتر دو ساعت در شبانه روز اینترنت استفاده می کنند

- ۲۳۲ نفر (۵۷ درصد) از مجموع ۴۰۷ نفر عنوان کرده اند که به ماهواره دسترسی دارند.

- حدود ۳/۲ درصد کمتر از یک ساعت، ۱۳/۸ درصد به میزان یک ساعت، ۲۹/۲ درصد بیشتر از یک تا دو ساعت، ۷/۹ درصد بیشتر از دو تا سه ساعت، و ۲/۹ درصد بیش از سه ساعت در شبانه روز از برنامه های ماهواره ای استفاده می کنند. حدود ۴۳ درصد پاسخگویان علاقه ای به استفاده از ماهواره ندارند.

- ۴۳ درصد از پاسخگویان از ماهواره استفاده نمی کنند. ۱۰/۱ درصد ۲ سال و کمتر، ۱۵ درصد بین ۳ تا ۴ سال، ۱۴ درصد بین ۵ تا ۶ سال، ۸/۸ درصد بین ۷ تا ۹ سال و ۹/۱ درصد ۱۰ سال و بیشتر سابقه استفاده از ماهواره را دارند.

بعد کثرت گرایی هویت مدرن: یافته های پژوهش نشان می دهد که میزان کثرت گرایی جوانان تقریباً در سطح بالایی قرار دارد. ۷۵/۹ درصد پاسخگویان معتقدند که وجود دیدگاهها و عقاید متفاوت موجب پیشرفت جامعه است. ۱۵ درصد نظرشان در حد متوسط، و تنها ۹/۱ درصد با این گویه مخالفت کرده اند. ۷۴/۲ درصد پاسخگویان معتقدند که هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. ۱۱/۳ درصد دارای نظر بینابینی و ۱۴/۵ درصد با این گویه مخالفت کرده اند.

بعد نگرش انتقادی هویت مدرن: در پاسخ به این گویه که «انسان نباید هر چیزی را بدون چون و چرا بپذیرد، بلکه باید نگاه انتقادی به مسائل داشته باشد»، ۴۷/۲ درصد کاملاً موافق، ۳۹/۶ درصد موافق، ۹/۸ درصد در حد متوسط؛ ۲/۹ درصد مخالف و ۰/۵ درصد کاملاً مخالف بوده اند. بنابراین می توان گفت که اکثریت نسبی پاسخگویان (۸۶/۸ درصد) دارای نگرش انتقادی بوده اند. بعد نگرش عرفی هویت مدرن: ۷۶/۷ درصد پاسخگویان معتقدند که انسان آزاد آفریده شده و بنابراین هیچ گونه محدودیتی نباید برای او وجود داشته باشد. ۱۳ درصد نظرشان متوسط بوده و ۱۰/۳ درصد نظر مخالف داشته اند. اکثریت نسبی پاسخگویان (۸۵/۵ درصد)، معتقدند که زندگی خصوصی هر کس مربوط به خودش است و دیگران حتی حکومت نباید در آن دخالت کنند. ۱۰/۳ درصد نظر متوسط و ۴/۲ درصد مخالف این عقیده بوده اند.

بعد مدگرایی هویت مدرن: ۴۴/۹ درصد پاسخگویان به موسیقی و ترانه های غربی علاقه دارند. ۲۶ درصد هم علاقه شان در حد متوسط است. در حالی که موسیقی و ترانه های غربی در میان ۲۹ درصد از پاسخگویان محبوبیتی ندارد. ۶۱/۹ درصد پاسخگویان اعلام داشته اند که دوست دارند مطابق مد روز لباس بپوشند و آرایش کنند. ۱۶/۲ درصد دارای نظر بینابینی، و ۲۱/۹ درصد نیز مخالفت کرده اند.

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....۱۷۳

بعد نظم و قانون گرایی هویت مدرن: گرایش به قانون گرایی در میان پاسخگویان در حد بسیار بالایی قرار دارد. چرا که ۸۷/۳ درصد سعی می کنند در همه حال قانون را رعایت نمایند. ۱۱/۸ درصد تاحدودی قانون گرا هستند و تنها ۱ درصد سعی نمی کنند در همه حال قانون را رعایت نمایند. ۹۱/۱ درصد پاسخگویان اظهار کرده اند که کارهایشان را بر اساس برنامه انجام می دهند. ۷/۴ درصد نظر بینابینی و تنها ۱/۵ درصد از آنها پاسخ منفی داده اند.

بعد آینده نگرسی هویت مدرن: ۸۴/۸ درصد پاسخگویان معتقدند که همیشه باید مطابق زمانه زندگی کرد. ۱۲/۳ درصد تا حدودی موافق بوده اند و ۲/۹ درصد مخالف این قضیه بوده اند.

۵۳/۶ درصد پاسخگویان ترجیح می دهند که به جای برنامه ریزی برای آینده، دم را غنیمت شمرند. در مقابل، ۲۷ درصد ترجیح می دهند که برای آینده برنامه ریزی داشته باشند. ۱۹/۴ درصد نیز گاهی برنامه ریزی برای آینده و گاهی غنیمت شمردن فرصت های آنی را ترجیح می دهند.

بعد عقلانیت هویت مدرن: ۷۷/۱ درصد پاسخگویان در انجام کارهایشان بیشتر از منطق و استدلال بهره می گیرند تا احساسات و عواطف. ۱۶ درصد تاحدودی و ۶/۹ درصد نظر مخالف داشته اند.

۴۴/۲ درصد پاسخگویان مخالف استفاده از هر وسیله ای برای رسیدن به اهداف خود هستند. در مقابل، ۳۱/۲ درصد اعتقاد داشته اند که برای رسیدن به هدف می توان از هر وسیله ای استفاده کرد. همچنین ۲۴/۶ درصد هم نظرشان بین این دو عقیده قرار دارد. در پاسخ به گویه «آنچه برای من در درجه اول اهمیت قرار دارد، خوشبختی در این دنیاست»، ۶۲/۷ درصد پاسخ مثبت، ۱۹/۷ درصد پاسخ بینابینی و ۱۷/۷ درصد پاسخ منفی داده اند.

بعد رویکرد علمی هویت مدرن: ۳۳/۶ درصد پاسخگویان معتقدند که علم می تواند برای تمامی سؤالات بشری، راه حل ارائه دهد. در مقابل، ۳۶/۱ درصد مخالف این عقیده را داشته اند. همچنین ۳۰/۲ درصد نیز تا حدودی با این عقیده موافق بوده اند. در پاسخ به گویه «تنها علم می تواند به حل مسائل مختلف در جامعه کمک کند»، ۵۱/۱ درصد پاسخ مثبت، ۲۹/۷ درصد پاسخ بینابینی و ۱۹/۱ درصد پاسخ منفی داده اند.

بعد نفی تقدیر گرایی هویت مدرن: بر اساس یافته های تحقیق، ۵۱/۱ درصد پاسخگویان معتقدند که برای موفقیت در کارها، شانس مهمتر از خواست و اراده فرد است. در مقابل، ۲۶/۳ درصد برای موفقیت اراده فرد را مهمتر از شانس می دانند. ۲۲/۶ درصد نظرشان بینابین بوده است.

۶۸/۸ درصد پاسخگویان معتقدند که بدبختی و عقب افتادگی بعضی ملتها، تقدیر الهی است. در مقابل ۱۵/۸ درصد معتقدند که عقب افتادگی ملتهای عقب افتاده ربطی به اراده الهی ندارد. ۱۵/۵ درصد هم نظرشان بین این دو عقیده قرار گرفته است. ۵۵/۳ درصد پاسخگویان معتقدند که همه رویدادها به نحوی از انحاء پیشاپیش مقرر شده اند. و در مقابل، صرفاً ۱۷/۲ درصد مخالف این نظر را داشته اند. ۲۷/۵ درصد هم بین این دو عقیده را داشته اند.

بعد فردگرایی هویت مدرن: فردگرایی با سه شاخص اندازه گیری شده است. ۷۰ درصد پاسخگویان معتقدند بوده اند که انسان باید تا حد امکان، مستقل از دیگران زندگی کند. ۱۵ درصد مخالف این عقیده بوده اند. ۱۵ درصد نیز نظر بینابین داشته اند. ۷۳ درصد پاسخگویان علاقه ای ندارند که به هنگام رویارویی با یک مساله دشوار، با دوستان و خویشان خود مشورت کنند. ۲۰/۷ درصد حاضرند که از دوستان و خویشان خود برای حل مسائل کمک بگیرند. ۶/۴ درصد هم در وسط طیف قرار گرفته اند. ۶۳/۱ درصد پاسخگویان از اینکه وقتشان را صرف خدمت به دیگران کنند، احساس خوبی ندارند. در مقابل، ۱۸/۹ درصد از صرف وقت برای خدمت به دیگران لذت می برند. ۱۷/۹ درصد هم در میانه طیف قرار گرفته اند.

جدول مربوطه نشان می دهد که از نظر سطح کلی هویت مدرن که از ترکیب کلیه شاخصهای ذکر شده به عمل آمده است، ۶/۴ درصد در حد بسیار پایین، ۹/۲۱ درصد در حد پایین، ۳۰ درصد در حد متوسط، ۳۱/۹ درصد در حد بالا و ۹/۸ درصد هم در حد بسیار بالا قرار داشته اند.

جدول شماره (۲) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس سطح کلی هویت مدرن

سطح هویت مدرن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
بسیار پایین	۲۶	۶/۴	۶/۴	۶/۴
پایین	۸۹	۲۱/۹	۲۱/۹	۲۸/۳
متوسط	۱۲۲	۳۰/۰	۳۰/۰	۵۸/۲
بالا	۱۳۰	۳۱/۹	۳۱/۹	۹۰/۲
بسیار بالا	۴۰	۹/۸	۹/۸	۱۰۰
کل	۴۰۷	۱۰۰	۱۰۰	-



تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....۱۷۵

جدول شماره (۳) آماره های مقیاس هویت مدرن و شاخص های آن

شاخص	کمینه	پیشینه	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	ضریب تغییرات	چولگی	کشیدگی
کثرت گرایی	۲	۱۰	۷/۹۶	۸	۸	۱/۷۲	۲۱/۶۰	-۰/۷۵۲	-۰/۰۱۱
نگرش انتقادی	۱	۵	۴/۲۹	۴	۵	۰/۸۰۲	۱۸/۶۹	-۱/۱۶۹	۱/۴۰۵
نگرش عرفی	۳	۱۰	۸/۳۲	۹	۱۰	۱/۵۸	۱۸/۹۹	-۰/۹۱۸	۰/۱۷۷
مدگرایی	۲	۱۰	۶/۸۲	۷	۸	۲/۱۸	۳۱/۹۶	-۰/۳۶۹	-۰/۷۶۵
نظم و قانون گرایی	۵	۱۰	۸/۵۷	۹	۸	۱/۱۲	۱۳/۰۶	-۰/۵۵۱	۰/۰۱۵
آینده نگری	۳	۱۰	۷/۴	۷	۸	۱/۳۵	۱۸/۲۴	-۰/۲۰۳	-۰/۳۸۱
عقلانیت	۵	۱۵	۱۰/۴	۱۰	۱۲	۲/۲۲	۲۱/۳۴	-۰/۰۳۳	-۰/۳۹۰
رویکرد علمی	۲	۱۰	۶/۳۹	۶	۶	۱/۹۶	۳۰/۶۷	-۰/۱۲۷	-۰/۴۹۴
نفی تقدیر گرایی	۳	۱۵	۱۰/۴	۱۱	۱۲	۲/۷	۲۵/۹۶	-۰/۶۷۶	-۰/۰۶۵
فردگرایی	۳	۱۵	۸/۳۲	۸	۷	۲/۴۹	۲۹/۹۲	۰/۴۷۳	-۰/۴۰۵
مقیاس کلی هویت مدرن	۵۳	۱۰۰	۷۸/۹۴	۷۹	۷۳	۱۰/۶۵	۱۳/۴۹	-۰/۱۷۶	-۰/۷۹۲

با استفاده از مقادیر ضریب تغییرات می توان توزیع مقادیر شاخصهای هویت مدرن را مقایسه کرد. که در نتیجه بعد نظم و قانون گرایی دارای کمترین پراکندگی و بعد مدگرایی دارای بیشترین پراکندگی می باشند. سایر ابعاد هویت مدرن از کمترین پراکندگی به ترتیب عبارت اند از: آینده نگری، نگرش انتقادی، نگرش عرفی، عقلانیت، کثرت گرایی، نفی تقدیر گرایی، فردگرایی، رویکرد علمی.

آزمون فرضیات:

فرضیه اول: بین الگوی فراغت مجازی و هویت مدرن جوانان رابطه معنی دار مستقیم وجود دارد.

ضریب همبستگی کندال تائو C برابر با ۰/۲۸۸ بوده و سطح معناداری آن صفر است. لذا با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین دو متغیر فراغت مجازی و هویت مدرن رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی می توان گفت که با افزایش فراغت مجازی به میزان هویت مدرن افزوده می شود و با کاهش آن، از سطح هویت مدرن کاسته می شود. این امر نشان می دهد فرض  $H_1$  که نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر بوده، قبول شده و فرض  $H_0$  که نشان دهنده عدم رابطه بین دو متغیر است، رد می شود. با توجه به مقدار value بدست آمده (۰/۲۸۸)، باید گفت که رابطه بین دو متغیر در حد ضعیف می باشد.

بی تردید یکی از عوامل تغییر هویتی در ایران امروز، مصرف کالاهایی است که در فضای مجازی عرضه می شود. بر اساس یافته های یک تحقیق هر چه مصرف کاربر در فضای مجازی حرفه ای تر باشد- خصوصاً منوط به تولید و دستکاری اطلاعات و نه فقط مصرف صرف باشد- میزان

دستیابی او به هویت مدرن شدیدتر خواهد بود. افزایش قدرت نمادین فرد، به تدریج پنداشت کاربر جوان ایرانی از کیستی و چیستی خود، دیگران و جهان پیرامونش را دگرگون کرده و هویت او را دستخوش تحول نموده و در نهایت، باعث شکل‌گیری هویتی به نسبت سیار، ناپایدار، بازاندیشانه و متکثر در وی می‌شود (تاجیک، ۱۳۸۷: ۷۶).

می‌توان گفت که مصرف اینترنت، امکانات و بسترهای جدیدی برای بازسازی هویت فراهم می‌کند. رسانه‌های ارتباطی جدید، زمینه‌رهای فرد از عوامل سنتی هویت‌سازی را فراهم می‌کنند. گیدنز از این پدیده با عنوان تحول سنت و طبیعت یاد می‌کند. از دیدگاه او در جوامع سنتی، طبیعت و سنت همچون چشم اندازه‌های نسبتاً ثابت و معین کارویژه ساختاری بخشی به زندگی اجتماعی و هویت را بر عهده داشتند. تحت‌تأثیر فرایند تجدد و جهانی‌شدن، این دو عامل مستقل از کنش انسانی تحول یافته، تابع اراده و تصمیم انسان شدند و بدین ترتیب دنیایی با انعطاف بالا شکل گرفت. در چنین دنیایی، انسان فارغ از قید و بندهای سنت و طبیعت دارای آزادی و استقلال عمل چشمگیری است و باید در فضای اجتماعی بسیار پهناور، دنیا و هویت خود را بسازد.

فرضیه دوم: بین الگوی فراغت فرهنگی و هویت مدرن جوانان رابطه معنی‌دار مستقیم وجود دارد. ضریب همبستگی کندال بین فراغت فرهنگی و هویت مدرن برابر با ۰/۰۶- بوده و چون سطح معناداری آن (۰/۸۹۷) بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا بین آن‌ها همبستگی معناداری وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد فرض  $H_1$  که نشان‌دهنده وجود رابطه بین دو متغیر بوده، رد شده و فرض  $H_0$  که نشان‌دهنده عدم رابطه بین دو متغیر است، قبول می‌شود.

فرضیه سوم: بین الگوی فراغت مذهبی و هویت مدرن جوانان رابطه معنی‌دار معکوس وجود دارد. ضریب همبستگی کندال b بین فراغت مذهبی و هویت مدرن برابر با ۰/۴۸۲- و سطح معناداری آن صفر می‌باشد، لذا بین آن‌ها همبستگی منفی و معکوس وجود دارد. این امر نشان می‌دهد فرض  $H_1$  که نشان‌دهنده وجود رابطه بین دو متغیر بوده، قبول شده و فرض  $H_0$  که نشان‌دهنده عدم رابطه بین دو متغیر است، رد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که با افزایش فراغت مذهبی، سطح هویت مدرن پایین می‌آید و با کاهش آن، سطح هویت مدرن افزایش می‌یابد. فرضیه چهارم: بین الگوی فراغت ورزشی و هویت مدرن جوانان رابطه معنی‌دار مستقیم وجود دارد.

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....۱۷۷

ضریب همبستگی کندال b بین فراغت ورزشی و هویت مدرن برابر با ۰/۸۰- و سطح معناداری آن ۰/۸۶ می باشد، لذا بین آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. این امر نشان می دهد فرض  $H_1$  که نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر بوده، رد شده و فرض  $H_0$  که نشان دهنده عدم رابطه بین دو متغیر است، قبول می گردد

فرضیه پنجم: بین الگوی فراغت عامیانه و هویت مدرن جوانان رابطه معنی دار معکوس وجود دارد. ضریب همبستگی کندال b بین فراغت عامیانه و هویت مدرن برابر با ۰/۳۷- و سطح معناداری آن ۰/۴۳۷ می باشد، لذا بین آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. این امر نشان می دهد فرض  $H_1$  که نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر بوده، رد شده و فرض  $H_0$  که نشان دهنده عدم رابطه بین دو متغیر است، قبول می گردد

فرضیه ششم: بین الگوی فراغت ماهواره محور و هویت مدرن جوانان رابطه معنی دار مستقیم وجود دارد. ضریب همبستگی کندال تاو C برابر با ۰/۶۰۱ و سطح معناداری آن صفر است. با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین دو متغیر فراغت ماهواره ای و هویت مدرن رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی می توان گفت که با افزایش فراغت ماهواره ای، سطح هویت مدرن نیز افزایش یافته و با کاهش آن، سطح هویت مدرن هم کاهش می یابد. علاوه بر این با توجه به مقدار value بدست آمده (۰/۶۰۱)، باید گفت که رابطه بین دو متغیر در حد متوسط می باشد.

نتیجه تحقیق عریضی و همکارانش (۱۳۸۵) نیز نشان داد که وجود ماهواره در منزل نشان دهنده تغییر رفتارها و نگرشها به سمت الگوها و گرایش های جدید است (ص ۷۶).

اگر بپذیریم ظرفیت و استعداد آدمی برای تعریف کردن خود، بالطبع متکی بر مناسبات اجتماعی است و وابسته به رویارویی های انضمامی برخاسته از زندگی گروهی، طبیعی خواهد بود که تجربه دیدن تلویزیون ماهواره ای از آن رو که تفریحی خصوصی به شمار می آید مانع یا مخرب فرآیندهای تکوین هویت گردد. خویشتن هر فرد در حینی که خود را سرگرم تفریحات خصوصی می سازد، به جهت خوشی های بصری و نمایشی که روی صفحه تلویزیون می یابد، از حضور در عرصه اجتماع و تعهد اجتماعی خودداری می ورزد.

بنابراین می توان گفت که وجود ماهواره در منزل و استفاده از آن سبب تغییر در نوع نگرش و رفتار شخص می شود و می توان گفت نگرش و رفتار افراد دارای ماهواره نسبت به هویت

اجتماعی خودشان کمتر منطبق با ارزشها و هنجارهای جامعه است و افراد فاقد ماهواره جهت گیری رفتار و نگرش آنها بیشتر به فرهنگ جامعه نزدیک تر است.

فرضیه هفتم: بین ویژگیهای فردی جوانان (جنسیت، سن، میزان تحصیلات و وضعیت تاهل) و هویت مدرن آنان رابطه معناداری وجود دارد.

جنسیت و هویت ملی:

بین دو متغیر جنسیت و هویت مدرن رابطه معناداری وجود ندارد. آزمون کی دو برابر با  $3/296$  و سطح معناداری آن  $1/192$  است. لذا میزان هویت مدرن در بین مردان و زنان تفاوت و اختلافی با یکدیگر نداشته است.

وضعیت تاهل و هویت ملی: بین دو متغیر وضعیت تاهل و هویت مدرن رابطه معناداری وجود ندارد. آزمون کی دو برابر با  $2/011$  و سطح معناداری آن  $3/366$  است. در نتیجه، میزان هویت مدرن در بین جوانان متاهل و مجرد تفاوت و اختلافی با یکدیگر نداشته است. لذا فرض صفر تایید می گردد.

میزان تحصیلات و هویت ملی: مقدار ضریب سامرز  $d$  برابر با  $0/067$  و سطح معناداری آن  $1/112$  است. بنابراین بین دو متغیر میزان تحصیلات و هویت مدرن رابطه معناداری وجود ندارد. لذا فرض  $H_0$  که نشان دهنده عدم رابطه بین دو متغیر است، تایید می گردد.

سن و هویت ملی: مقدار ضریب سامرز  $d$  برابر با  $0/019$  و سطح معناداری آن  $6/651$  است. بنابراین بین دو متغیر سن و هویت مدرن رابطه معناداری وجود ندارد و فرض  $H_0$  که نشان دهنده عدم رابطه بین دو متغیر است، تایید می گردد.

منطقه سکونت و هویت مدرن: مقدار آماره کی دو برابر با  $97/992$  و سطح معناداری آن صفر است. لذا با احتمال بیش از ۹۹ درصد می توان گفت که منطقه سکونت با هویت مدرن رابطه معناداری دارد. یعنی جوانان شمال، مرکز و جنوب شهر تهران دارای سطح هویت مدرن یکسانی با یکدیگر نیستند.

شغل و هویت مدرن: بین شغل و هویت مدرن رابطه معناداری وجود داشته است. مقدار آماره کی دو برابر با  $16/057$  و سطح معناداری آن  $0/013$  است. لذا با احتمال بیش از ۹۵ درصد می توان گفت

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....۱۷۹

که شغل با هویت مدرن رابطه معناداری دارد. یعنی جوانان دارای مشاغل مختلف، از نظر سطح هویت مدرن با همدیگر متفاوت اند.

جدول شماره (۴) همبستگی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته هویت مدرن جوانان

متغیر	سطح سنجش	مقارن یا نامقارن	ضریب همبستگی	مقدار ضریب	سطح معناداری	نوع رابطه
فراغت مجازی	ترتیبی	مقارن	کندال تائو C	۰/۲۸۸	۰/۰۰۰	مثبت و مستقیم
فراغت فرهنگی	ترتیبی	مقارن	کندال تائو b	۰/۰۰۶	۰/۸۹۶	رابطه وجود ندارد
فراغت مذهبی	ترتیبی	مقارن	کندال تائو b	-۰/۴۸۲	۰/۰۰۰	منفی و معکوس
فراغت ورزشی	ترتیبی	مقارن	کندال تائو b	۰/۰۸۰	۰/۰۸۶	رابطه وجود ندارد.
فراغت عامیانه	ترتیبی	مقارن	کندال تائو b	-۰/۰۳۷	۰/۴۳۰	رابطه وجود ندارد.
فراغت ماهواره محور	ترتیبی	مقارن	کندال تائو C	۰/۶۰۱	۰/۰۰۰	مثبت و مستقیم
تحصیلات	ترتیبی	نامقارن	سامرز d	۰/۰۶۷	۰/۱۱۲	رابطه وجود ندارد.
سن	ترتیبی	نامقارن	سامرز d	۰/۰۱۹	۰/۶۵۱	رابطه وجود ندارد.

جدول شماره (۵) آماره کی دو بین (متغیرهای مستقل) با ابعاد هویت مدرن (متغیر وابسته) جوانان

نوع رابطه	آماره کی دو			مقارن یا نامقارن	متغیر وابسته
	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار ضریب		
رابطه وجود ندارد.	۰/۱۹۲	۲	۳/۲۹۶	نامقارن	جنسیت
رابطه وجود ندارد.	۰/۳۶۶	۲	۲/۰۱۱	نامقارن	وضعیت تاهل
مثبت و مستقیم	۰/۰۰۰	۴	۹۷/۹۹۲	نامقارن	منطقه سکونت
مثبت و مستقیم	۰/۰۱۳	۶	۱۶/۰۵۷	نامقارن	شغل

رگرسیون بررسی نتایج رگرسیون چند متغیره با روش چندگانه توأم (Enter) نشان می دهد که مقدار R یا ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۷۹۳ بوده که نشان دهنده رابطه شدید بین سطح هویت مدرن جوانان و متغیرهای مستقل است. مقدار ضریب تعیین یا  $R^2$  برابر با ۰/۶۲۹ بوده و بیانگر این حقیقت است که ۶۲ درصد از تغییرات هویت مدرن جوانان به این متغیرهای مستقل مربوط است و ۳۸ درصد بقیه مربوط به عواملی است که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته اند. از آنجایی که ضریب تعیین، تعداد درجه آزادی را در نظر نمی گیرد، به همین دلیل برای رفع این مشکل معمولاً از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده می شود. مقدار این ضریب برابر با ۰/۶۱۸ می باشد.

جدول شماره (۶) خلاصه مدل

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار	آماره دوربین - واتسون
۱	.۷۹۳	.۶۲۹	.۶۱۸	۶/۵۸۶۴۹	۱/۹۴۶

جدول تجزیه واریانس (ANOVA) نیز معنی دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان داده که سطح معناداری (۰/۰۰۰) آن را تایید می‌کند. اعداد ارائه شده در جدول آنالیز واریانس نشان می‌دهد که مقدار F یعنی نسبت متوسط واریانس رگرسیون به متوسط واریانس باقیمانده برابر با ۵۵/۷۷۱ بوده و با درجه آزادی ۱۲ و سطح معناداری صفر می‌توان گفت که به احتمال بیش از ۹۹ درصد اطمینان، بین هویت مدرن جوانان و سایر متغیرهای مستقل اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۷) تحلیل واریانس رگرسیون (ANOVA)

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
۲۹۰۳۳/۴۴۳	۱۲	۲۴۱۹/۴۵۴	۵۵/۷۷۱	۰/۰۰۰
۱۷۰۹۲/۴۷۳	۳۹۴	۴۳/۳۸۲	-	-
۴۶۱۲۵/۹۱۶	۴۰۶	-	-	-

مقادیر Beta (ضرایب استاندارد شده) در جدول ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای فراغت مذهبی، فراغت مجازی، فراغت ماهواره ای و منطقه سکونت در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار هستند.

با توجه به جدول ضرایب رگرسیونی می‌توان گفت که نقش متغیر فراغت ماهواره محور (۴/۸۸) Beta= بیشتر از نقش سایر متغیرها است. یعنی به ازای هر یک واحد تغییر در انحراف معیار فراغت ماهواره محور به اندازه ۴/۸۸. در انحراف معیار متغیر وابسته (هویت مدرن) تغییر ایجاد می‌گردد. در حالی که به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار سایر متغیرها، در انحراف معیار متغیر وابسته (هویت مدرن) تغییرات کمتری ایجاد می‌شود. بنابراین بر اساس وزن بتا می‌توان گفت که متغیرهای فراغت ماهواره محور، فراغت مجازی، فراغت مذهبی و منطقه سکونت به مراتب سهم بیشتری در پیش بینی متغیر هویت مدرن جوانان دارند.

جدول شماره (۸): ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته هویت مدرن جوانان

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	وزن بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۷۵/۹۶۰	۴/۰۹۸		۱۸/۵۳۷	۰/۰۰۰
جنسیت	-۰/۷۶۸	۰/۷۴۷	-۰/۰۳۶	-۱/۰۲۸	۰/۳۰۵
وضعیت تاهل	-۰/۷۷۳	۰/۹۷۵	-۰/۰۳۳	-۰/۷۹۳	۰/۴۲۸
سطح تحصیلات	۱/۴۲۰	۱/۰۴۳	۰/۰۶۵	۱/۳۶۲	۰/۱۷۴
سن	-۰/۰۲۸	۰/۱۴۲	-۰/۰۱۱	-۰/۱۹۷	۰/۸۴۴
فراغت ورزشی	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۲۹	۰/۷۶۵	۰/۴۴۴
فراغت مذهبی	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۴	-۰/۰۲۳۸	-۰/۲۱۷	۰/۰۰۰
فراغت فرهنگی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	۰/۳۳۵	۰/۷۳۸
فراغت عامیانه	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۴۳	۱/۲۳۲	۰/۲۱۹
فراغت مجازی	۰/۰۲۰	۰/۰۰۵	۰/۱۴۸	۳/۸۱۵	۰/۰۰۰
فراغت ماهواره محور	۰/۰۵۵	۰/۰۰۵	۰/۴۸۸	۱۰/۵۷۸	۰/۰۰۰
شغل	-۰/۲۴۲	۰/۳۷۸	-۰/۰۲۷	-۰/۶۴۰	۰/۵۲۳
منطقه سکونت	-۱/۵۱۲	۰/۵۱۳	-۰/۱۱۱	-۲/۹۴۹	۰/۰۰۳

بر اساس داده های جدول شماره (۸) معادله رگرسیون را به شرح ذیل می توان نوشت:

$$Y = 75/960 - 0/19(\text{فراغت مذهبی}) + 0/20(\text{فراغت مجازی}) + 0/55(\text{فراغت ماهواره محور}) - 1/512(\text{منطقه سکونت})$$

#### تحلیل مسیر

تحلیل مسیر ۳۴ نوعی از تحلیل رگرسیون چندگانه محسوب می شود که می تواند کمک شایانی به تحقیق نماید. از طریق تحلیل مسیر می توان فرضیه ها را مورد آزمون قرار داد و همچنین میزان تأثیر مستقیم، تأثیر غیر مستقیم و تأثیر کل بر متغیر وابسته را مشخص نمود. در ادامه به بررسی تحلیل مسیر و مراحل آن مانند تهیه مدل علی، رسم نمودار مسیر، محاسبه ضرایب مسیر، تجزیه همبستگی به تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم، برازندگی مدل و در نهایت تفسیر نتایج پرداخته می شود.

فرضیات مندرج در فصل سوم به صورت یک مدل علی ترسیم شده است. نمودار مسیر شامل تعدادی مسیر به صورت فلش های یک طرفه است که متغیرها را به همدیگر وصل می کند. برای محاسبه ضرایب مسیر از رگرسیون استفاده می شود تا تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مشخص گردد. ضریب مسیر قسمتی از واریانس متغیر وابسته است که توسط یک متغیر مستقل تبیین می شود. در ضریب مسیر از بتا یا ضرایب تفکیکی استاندارد شده رگرسیون استفاده می شود. از طریق ضریب تعیین چندگانه می توان مناسب بودن مدل را ارزیابی کرد.

از طریق تجزیه همبستگی اثرات مستقیم و غیر مستقیم یک متغیر بر متغیرهای دیگر معین می‌شود. در تحلیل مسیر برای تبیین دقیق تر روابط علی متغیرها به تجزیه همبستگی بین متغیرها پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر ضرایب همبستگی اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها را نشان می‌دهد.

متغیر	نوع اثر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا	مسیر تأثیر
وضعیت تاهل	مستقیم	-۰/۰۳۳	X1---y
جنسیت	مستقیم	-۰/۰۳۶	X2---y
سن	مستقیم	-۰/۰۱۱	X3---y
تحصیلات	مستقیم	۰/۰۶۵	X4---y
تحصیلات	غیر مستقیم	۰/۲۷۳	X4---x5---y
تحصیلات	غیر مستقیم	۰/۱۳۷	X4---x5--- x6---y
تحصیلات	غیر مستقیم	۰/۵۰۲	X4---x5--- x7---y
تحصیلات	غیر مستقیم	۰/۷۰۱	X4---x5---x8--- x7---y
تحصیلات	غیر مستقیم	۰/۲۳۹	X4---x5---x8---y
شغل	مستقیم	-۰/۰۲۷	X5---y
شغل	غیر مستقیم	-۰/۱۶۳	X5---x6---y
شغل	غیر مستقیم	۰/۲۰۲	X5---x7---y
شغل	غیر مستقیم	۰/۷۰۱	X5---x8---x7---y
شغل	غیر مستقیم	-۰/۰۶۱	X5---x8---y
فراغت عامیانه	غیر مستقیم	۰/۰۴۳	X6---y
فراغت مجازی	مستقیم	۰/۱۴۸	X7---y
فراغت فرهنگی	مستقیم	۰/۰۱۱	X8---y
فراغت فرهنگی	غیر مستقیم	۰/۴۷۳	X8---x7---y
محل سکونت	مستقیم	-۰/۱۱۱	X9---y
محل سکونت	غیر مستقیم	۰/۱۳۸	X9---x10---y
فراغت مذهبی	مستقیم	-۰/۲۲۸	X10---y
فراغت ماهواره محور	مستقیم	۰/۴۸۸	X11---y
فراغت ورزشی	مستقیم	۰/۰۲۹	X12---y
کل اثرات مستقیم	مستقیم	۰/۳۲۸	---
کل اثرات غیر مستقیم	غیر مستقیم	۳/۱۴۲	---
مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم	مستقیم و غیر مستقیم	۳/۴۷	---

از آنجا که در دیاگرام مسیر از ضرایب بتا استفاده می‌شود و این ضرایب نیز به صورت استاندارد شده می‌باشند، بنابراین می‌توان اثرات متغیرهای مختلف را با همدیگر مقایسه کرد و موثرترین آن



تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....:۱۲۸۲، ۲۳۹) ۱۸۳

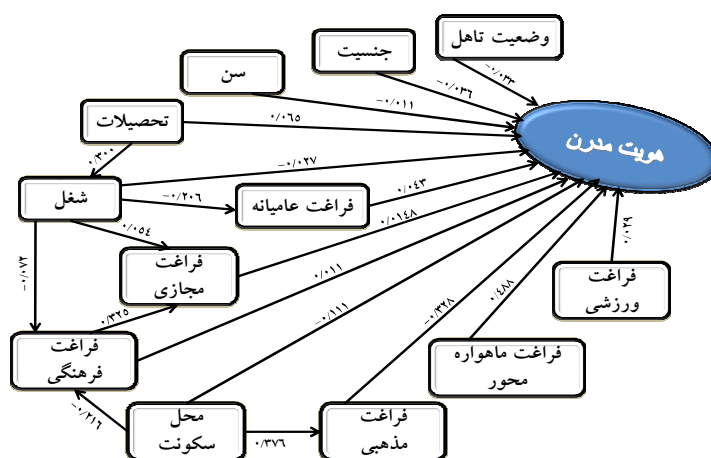
ها را تعیین نمود. هر متغیری دارای دو اثر مستقیم و غیر مستقیم می باشد که از مجموع آن ها اثر کلی متغیر به دست می آید (کلاتری، ۱۳۸۲: ۲۳۹).

بر اساس ضرایب بتا مندرج در نمودار شماره ۴-۱ میزان تاثیر مستقیم کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته هویت مدرن ۰/۳۲۸، تاثیر غیر مستقیم برابر با ۳/۱۴۲ و مجموع تاثیرات مستقیم و تاثیر غیر مستقیم برابر با ۳/۴۷ می باشد. این متغیرهای مستقل در مجموع ۶۲/۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می کنند. اما در تحلیل مسیر آن چه که به عنوان اثر یا عوامل ناشناخته باقی می ماند، کمیت خطا نام دارد. این کمیت بیانگر میزان واریانس متغیری است که متغیرهای مستقل قبلی دیاگرام قادر به تبیین آن نبوده اند. با توجه به مقدار ضریب تعیین در تحلیل رگرسیونی ( $R^2 = 0/629$ ) می توان ضریب خطا یا مقدار کمیت خطا را محاسبه نمود که برابر با ۰/۳۷۱ می باشد. بنابراین می توان گفت که مدل علی به دست آمده ۳۷/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمی کند.

جدول شماره (۹) مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل با متغیر هویت مدرن

متغیر مستقل	اثرات غیر مستقیم	اثرات مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم
وضعیت ناهل	---	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳
جنسیت	---	-۰/۰۳۶	-۰/۰۳۶
سن	---	-۰/۰۱۱	-۰/۰۱۱
تحصیلات	۱/۸۵۲	۰/۰۶۵	۱/۹۱۷
شغل	۰/۶۷۹	-۰/۰۲۷	-۰/۶۵۲
فراغت عامیانه	---	۰/۰۴۳	۰/۰۴۳
فراغت مجازی	---	۰/۱۴۸	۰/۱۴۸
فراغت فرهنگی	۰/۴۷۳	۰/۰۱۱	۰/۴۸۴
محل سکونت	۰/۱۳۸	-۰/۱۱۱	-۰/۰۲۷
فراغت مذهبی	---	-۰/۲۳۸	-۰/۲۳۸
فراغت ماهواره محور	---	۰/۴۸۸	۰/۴۸۸
فراغت ورزشی	---	۰/۰۲۹	۰/۰۲۹
جمع کل	۳/۱۴۲	۰/۳۲۸	۳/۴۷

مدل تحلیل مسیر همراه با ضرایب مسیر (بتا)



### نتیجه گیری

اوقات فراغت و چگونگی گذران آن در شکل گیری هویت افراد نقش به سزایی دارد. در خصوص نحوه گذران فراغت، یافته‌های تحقیق حاکی از پایین بودن سطح مطالعه در میان جوانان است. اطلاعات موجود نشان از آن دارد که ورزش نقش عمده‌ای در گذران اوقات فراغت جوانان ندارند. رادیو اکنون با وجود تلویزیون و اینترنت با محدودیتهای زیادی در جذب مخاطب رو به رو شده است. رسانه‌ای شدن روزافزون سرگرمی‌ها و شیوه‌های گذران فراغت، خانگی شدن آن را نیز به همراه داشته است. بر اساس نتایج تحقیق، جوانان بیشترین ساعات فراغت خود را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند. نزدیک به ۹۵ درصد پاسخگویان در اوقات فراغت خود تلویزیون تماشا می‌کنند. بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان در اوقات فراغت خود بیشتر از یک ساعت در شبانه روز به تماشای تلویزیون می‌پردازند. میانگین تماشای تلویزیون ۸۱/۵ دقیقه در شبانه روز است. گذشته از تلویزیون، رسانه‌های نو نیز به تدریج جذابیت زیادی برای جوانان یافته است. نتایج پیمایش نشان می‌دهد که ۷۴ درصد پاسخگویان در اوقات فراغت خود از اینترنت

استفاده می‌کنند. ۵۷ درصد از آنان به برنامه‌های ماهواره دسترسی دارند. ارقام فوق بیانگر میزان استفاده‌ی فعال (به صورت روزانه و یا چند روز در هفته) از این رسانه هاست. کارکردهای متنوع و متعدد اینترنت، آن را به پدیده‌ای تاثیرگذار در عرصه فراغت تبدیل کرده است.

بطور کلی، فراغت مجازی و فراغت ماهواره محور رابطه مثبت و مستقیم با سطح هویت مدرن داشته‌اند. فراغت مذهبی با هویت مدرن رابطه منفی و معکوس داشته است. بین فراغت فرهنگی، فراغت عامیانه، فراغت ورزشی، تحصیلات، سن، جنسیت و وضعیت تاهل با هویت مدرن رابطه معناداری وجود نداشته و نهایتاً اینکه بین منطقه سکونت و شغل با هویت مدرن رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیونی بیانگر آن است که نقش متغیر فراغت ماهواره محور در تبیین هویت مدرن، بیشتر از نقش سایر متغیرها است. تجربه ماهواره در ایران به دلیل ایجاد انشقاق بین تجربه و واقعیت، عمدتاً با تکوین هویت‌های پایدار و یکپارچه ناسازگار است. درست است که فرایندهای تعیین هویت همچنان در ضمن تماشای ماهواره حضور دارند، اما این فرایندها در ماهواره به جای وقوع در بستر تعاملات اجتماعی در دامن تجربه‌های جعلی و ساختگی بصری روی می‌دهند. لذا ماهواره به جای تکوین اجتماعی هویت، مجموعه‌ای پاره پاره و درهم برهم از هویت‌های مبتنی بر انگاره‌ها می‌نشانند. حاصل این فعل و انفعالات ناهمگنی کل فرهنگ ماهواره است که متغیرهای تجربه شخصی و تکوین هویت را از بنیاد دگرگون می‌سازد. بدین قرار، تجربه ماهواره، در معنایی پدیدار شناختی، گسستی است بنیادین از تجربه زندگی هر روزه و بستر مناسبات اجتماعی که هویت نوعاً در دامن آنها تکوین می‌یابد. بنابراین، ماهواره با سپهرهای اجتماعی تداخل می‌کند و تفاوت‌های اجتماعی را به هم می‌آمیزد و بدین سان تمایزات معمول رفتاری را محو می‌کند.

بطور کلی می‌توان گفت که مجموع این متغیرها ۶۲ درصد از تغییرات هویت مدرن جوانان را تبیین می‌کنند. و در این میان، متغیرهای فراغت ماهواره محور، فراغت مذهبی، فراغت مجازی و منطقه سکونت به مراتب سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر هویت مدرن جوانان دارند.

#### پی‌نوشت‌ها

- 1-Delini
- 2- Simmel
- 3- Thorstein Veblen

- 18- Stuart Hall
- 19- Burke & Stryker
- 20- Alex Aynkles

- |                             |  |
|-----------------------------|--|
| 4- Clark                    | 21- Peter Berger   |
| 5- Kreacher                 | 22- Brigitte Berger                                      |
| 6- Ken Roberts              | 23- Hansfried Kellner                                    |
| 7- R.N. Rappaport           | 24-The homeless mind; Modernization and<br>Consciousness |
| 8- Stanly Parker            | 25-open  |
| 9- Torkildsen               | 26-differentiated  |
| 10- Williams                | 27-reflective  |
| 11- Marguerite Mead         | 28-individuated  |
| 12- Godbey                  | 29- secularizing   |
| 13- Jameson                 | 30- Individualism  |
| 14- Cyril smith             | 31- Merton   |
| 15- social systems Approach | 32- Fatalism   |
| 16- John Kelly              | 33- Modern Identity                                      |
| 17- Erving Goffman          | 34- Path Analysis  |

#### منابع

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۲)؛ ابعاد هویت ایرانی، در کتاب "همبستگی ملی در ایران" به کوشش داریوش قمری، تهران، موسسه مطالعات ملی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). **فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن**. تهران: تمدن ایرانی، چاپ اول.

اباذری یوسف علی و حسن چاوشیان (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی. **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۰.

ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس (۱۳۸۸). اوقات فراغت و هویت: بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان شهر بابلسر. **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۸۸.

استوری، جان (۱۳۸۵). **مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه**. ترجمه حسین پاینده، تهران: نشر آگه،

باکاک، رابرت (۱۳۸۱). **مصرف**. ترجمه خسرو صبری. تهران: نشر شیرازه، چاپ اول.

برگر، ل. پیتر، بریجیت برگر، هانسفرید کلنر (۱۳۸۱). **ذهن بی خانمان: نوسازی و آگاهی**. ترجمه محمد ساوجی. تهران: نشر نی، چاپ اول.

بنت، اندی (۱۳۸۶). **فرهنگ و زندگی روزمره**. ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: اختران،

بیرو، آلن (۱۳۷۰). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: موسسه کیهان،

تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۷). رسانه و بحران در عصر فراواقعیت (با تاکید بر بحران هویت). **پژوهشنامه علوم سیاسی**. سال چهارم، شماره اول، زمستان.

تنهایی، حسین (۱۳۷۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی (هفت مقاله در باب مبانی تاریخ اندیشه و نظریات جامعه‌شناختی). تهران: مرنديز،

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده..... ۱۸۷

تورک‌یلدسن، جورج (۱۳۸۲). اوقات فراغت و نیازهای مردم. ترجمه عباس اردکانیان و عباس حسینی. تهران: انتشارات نوریخش،

جلائی پور، حمید رضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷). **نظریه های متأخر جامعه شناسی**. تهران: نشر نی  
جنتی، قربان (۱۳۸۵). «بررسی رابطه انواع خانواده (سنتی / مدرن) با ابعاد و ساختار هویت دانش آموزان». پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران.

چلبی، مسعود (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی، چاپ اول خادامیان، طلیعه (۱۳۸۷). سبک زندگی و مصرف فرهنگی. تهران: موسسه فرهنگی جهان کتاب.

دان، رابرت (۱۳۸۴). **نقد اجتماعی پست مدرنیته بحرانهای هویت**. مترجم صالح نجفی. تهران: پردیس دانش.  
دوران، بهزاد و منوچهر محسنی (۱۳۸۳). **هویت؛ رویکردها و نظریه ها، در مبانی نظری هویت و بحران هویت**. تهیه و تنظیم علی اکبر علیخانی، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی، اجتماعی، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، چاپ اول،

دومازدیه، ژوفر (۱۳۵۲). «مقدمه ای بر جامعه شناسی فراغت». ترجمه علی اسدی. **مجله فرهنگ و زندگی**، شماره

دیلینی، تیم (۱۳۸۸). نظریه های کلاسیک جامعه شناسی. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نشر نی.  
ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۰). اخلاق شهروندی: رابطه هویت یابی جمعی و ارزشهای دیگرخواهانه، **نامه انجمن**

**جامعه شناسی ایران**، ویژه نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، شماره ۵

ربانی، رسول (۱۳۸۰). جامعه شناسی جوانان. تهران: آوای نور.

روجک، کریس (۱۳۸۸). **نظریه فراغت: اصول و تجربه ها**. ترجمه عباس مخبر. تهران: موسسه نشر شهر.

ساروخانی، باقر و مهدیزاده، شراره (۱۳۸۰). تلویزیون و نوگرایی. **پژوهشنامه علوم انسانی**.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: موسسه کیهان.

سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۳). تحول مفهوم اوقات فراغت، نظام های تولیدی و بازار کار. **فصلنامه مطالعات جوانان**، شماره ۶.

شفرز، برنارد (۱۳۸۶). مبانی جامعه شناسی جوانان. ترجمه کرامت اله راسخ. تهران: نشر نی.

شیخاوندی، داور (۱۳۸۰). تأخیر در تکون هویت ایرانی در جریان تجدد. **نامه انجمن جامعه شناسی ایران**، ویژه نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳). «نظرسنجی از مردم درباره ماهواره»، تهران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای سازمان صدا و سیما.

عاملی، سعید رضا (۱۳۸۷). **مطالعات شهر مجازی تهران؛ رویکرد تحلیلی به فضای عمومی**. جلد اول. تهران: نشر آوای قلم، چاپ دوم.

عبدالهی، محمد (۱۳۷۵). «جامعه شناسی بحران هویت». **نامه پژوهش**. شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان.

۱۸۸ ..... مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال سوم / شماره اول / زمستان ۱۳۸۹

عریضی، فروغ السادات؛ وحید، فریدون؛ دانش، پروانه (۱۳۸۵). ماهواره و هویت جنسی دختران جوان. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره هفتم، شماره ۲، تابستان.

کیویستو، پیترو (۱۳۸۴). **اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ چهارم.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). **تجدد و تشخیص**. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۰). سیمای جهانی اوقات فراغت جوانان، تهران، سازمان ملی جوانان (دفتر مطالعات و تحقیقات). محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). **بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.

ملکی، امیر و عباسپور، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مولفه‌های آن. **فصلنامه دانش انتظامی**، سال دهم، شماره دوم.

منتظرانم، مهدی (۱۳۸۴). «سیاست‌های دریافت برنامه‌های تلویزیونی ماهواره ای در کشورهای آسیایی». **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۶.

Dumazdier, Juffer (1967) **Towards a Society of Leisure**. New York free Press.

Jarvie, Grant and Maguire, Joseph (1994). **Sport and Leisure in Social Thought**. Routledge.

Giddens A. (1991). **Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age**. Cambridge: Polity Press.

Hall, Stuart (2000). **Cultural Identity and Cinematic Representation in Film a Theory: an Anthology**, Edited by Robert stem and Toby miller, Blackwell.

Green. E, Hebron, S. & Woodward, D. (1990) **Womens leisure what leisure**. Basingstoke: Macmillan.